ارائه شده به دومين سمينار بررسي مسائل اجتماعي، استانداري مازندران، 1380

گروه‌هاي پذيراي تغييرات برنامه‌ريزي شده براي تخفيف مشكلات جنسي جوانان[1]

محمدرضا جواديگانه
www.mrjavai.com

يكي از نيازهاي اصلي جوانان، برآوردن تمايلات جنسي آن‌هاست. اگر دورة جواني را از آغاز دوره بلوغ ـ يعني‌شروع قدرت جنسي ـ تا زمان ازدواج ـ يعني برآوردن نهادينه شده غريزه جنسي و البته گذر از دوران تعليق ـ ياحداكثر 30 سالگي دانست، پس دوران جواني دوران غليان قدرت جنسي و برآورده نشدن آن است. تا زماني كه فشارهنجاري در جامعه قوي باشد، جوانان توان و تمايل چنداني به انحراف از هنجارهاي پذيرفته شده جامعه ندارند، امّادر جامعه‌اي كه وفاق بر سر ارزش‌ها وجود ندارد و تغييرات گسترده در سطوح فرهنگي اجتماعي در حال رخ نمودن‌است، و اين فشار هنجاري قوي نيست و لذا جوانان بدنبال رفتارهاي نوآورانه و متفاوت از راه‌حل‌هاي موسوم‌مي‌روند. در باب مسأله جنسي جوانان در جامعه ما نيز وضع چنين است. تغييرات گسترده در حوزه وسايل ارتباط‌جمعي و گسترش دسترسي به ماهواره و اينترنت و چندرسانه‌اي‌ها و... و نيز ضعيف شدن عمل به هنجارهاي پذيرفته‌شده در باب مسائل جنسي، باعث شده تا گروه‌هايي از جوانان بدنبال پيدا كردن راه‌حل‌هايي باشند كه مسلماً با نظام‌ارزشي و هنجاري جامعه سازگار نيست. از طرف ديگر بالا رفتن سن ازدواج عامل تشديد مشكل جنسي جوانان‌شده، بگونه‌اي كه جوان بطور متوسط ده سال توان برطرف كردن طبيعي و مطلوب نياز جنسي خود ـ يعني آميزش باجنس مخالف ـ را ندارد.

برنامه‌ريزان و مديران فرهنگي و اجتماعي كشور، چنانچه نتوانند راه حل مناسب را براي مسأله ارائه كنند، جوانان‌با نوآوري، خود، راه‌حل مشكل خود را پيدا خواهند كرد. مسأله جنسي از اشتغال و تحصيلات عالي و ساير مسائل‌اجتماعي، متفاوت است، يعني اگر نتوان براي جوان اشتغال ايجاد كرد، توان او براي پيدا كردن راه‌حل‌هاي نوآورانه‌براي حل مسأله بسيار كمتر از توان وي در حل مشكل جنسي خويش است. وقتي

---

[1] اين مقاله، برگرفته از تحقيقي با عنوان « **بررسي مسائل جنسي جوانان و راهكارهايي براي تخفيف آن بر اساس مدل تغييرات اجتماعي برنامه‌ريزي شده**» در سال 1381 براي سازمان ملي‌جوانان انجام داده است.

كه راه‌حل‌هاي جوانان در سطح‌وسيع اشاعه يافت و در طول زمان نيز رواج يافت، اين راه‌حل‌ها نهادينه خواهند شد و آنگه ارايه راه‌حل‌هاي‌جايگزين بسيار دشوارتر خواهد بود، لذا پيدا كردن راه‌حل مطلوب و سازگار با نظام ارزشي و ديني ما ضرورتي‌چندباره مي‌يابد. اين مقاله قصد پرداختن به اينكه راه‌حل مطلوب چيست، را ندارد، اما سعي دارد نشان دهد كدام بخش‌از جوانان، بيشتر پذيراي تغيير هستند و كدام بخش كمتر پذيرا هستند.

در اين مقاله، رفتارهاي جنسي جوانان به شش دسته تقسيم شده‌اند. ابتدا شرح مختصري از رفتار جنسي هر دسته‌ذكر خواهد شد و پس وضعيت اجتماعي و اقتصادي هر دسته بيان خواهد شد. در انتها ميزان پذيرش تغييرات‌برنامه‌ريزي شده در هر دسته مورد بررسي قرار خواهد گرفت. البته سعي شد رفتارهاي جنسي سه دسته اول كه از نظرما بيشتر پذيراي تحقيق هستند تفصيل بيشتري داده شود. و با كمال تأسف بايد گفت كه تمركز عمده برنامه‌ريزان‌مسائل جوانان بيشتر ناظر به سه گروه آخر است، كه خود راه‌حل خود را پيدا كرده‌اند و اصولاً مخاطب ما نيستند.

تقسيم‌بندي گروه هدف در تغيير اجتماعي برنامه‌ريزي شده

نظام‌هاي مختلفي ممكن است هدف تغيير اجتماعي باشند كه هر يك بنا به ماهيت و شرايط خود، برخوردي‌متفاوت را مي‌طلبند. چنانچه گروه هدف را مجموعه اي از افراد بدانيم كه هدف تغييرات برنامه‌ريزي شده هستند، آنرامي‌توان بر اساس شاخص‌هاي متفاوتي دسته‌بندي كرد. يك شيوه تقسيم‌بندي سيستم هدف، استفاده از متغيرهاي‌جمعيت‌شناختي (نظير: سن، جنس، درآمد، تحصيلات، شغل، دين، مليت، زبان، نژاد) و تقسيمات جغرافيايي (مثل:منطقه مسكوني: شهر، حومه شهر، روستا؛ اندازه و تراكم جمعيت؛ و آب و هوا) است. راه ديگر استفاده از متغيرهاي‌روان‌شناختي؛ (مانند: نگرش‌ها، شخصيت و سبك زندگي) است.

تقسيم‌بندي گروه هدف از لحاظ آهنگ پذيرش تغيير نيز بسيار داراي اهميت است؛ زيرا همان‌طور كه مشاهده خواهد شد، كارگزار تغيير مجبور است استراتژي‌هاي متفاوتي را در قبال زودپذيران و ديرپذيران تغيير، دنبال‌كند.

راجرز و شوميكر در كتاب «رسانش نوآوري‌ها» (1376) گروه هدف تغيير را به پنج دسته مختلف تقسيم مي‌كند:

- نوآوران
- نخستين پذيرندگان
- اكثريت زودپذير

ـ اکثریت کندپذیر

ـ دیرپذیران

توزیع این پنج گروه در یك منحني نرمال ارائه شده است که در آن 2/5% از افراد گروه هدف نوآوران، 13/5%نخستین پذیرندگان، 34% اکثریت زودپذیر، 34% اکثریت کندپذیر و 16% دیرپذیران هستند. با این حساب، نیمي ازجامعه را سه گروه اول و نیم دیگر را دو گروه دیگر تشکیل مي‌دهند. از این مدل به دلیل وجود تیپ ایده‌آل مناسب،استفاده زیادي مي‌شود، ولي اشکال‌هایي بر آن وارد است؛ مثلاً این که:

ـ متقارن نیست؛ یعني در مقابل دو گروه سمت راست میانگین، سه گروه سمت چپ معرفي شده است.

ـ بر این فرض استوار است که در نهایت 100% سیستم هدف به تغییر پاسخ مثبت مي‌دهد.

ـ و در آن نوآوران، بخشي از گروه هدف هستند؛ حال آنکه بهتر است که نوآوران، کارگزار تغییر قلمداد شوند تا هدف آن.

بهتر است در انتها، گروه کوچکي به نام متحجرین ذکر شود که هرگز به تغییر پاسخ مثبت نمي‌دهند و اثرنمي‌پذیرند. بنابراین، ما به جاي پنج گروه رایج، پنج گروه دیگر را در برابر تغییر بررسي مي‌کنیم، با توجه به این مساله‌که در آن نوآوران بعنوان گروه هدف نیستند. نکته دیگر این است که این پنج گروه، تیپ ایده‌آل یا نوع خاص وبري هستند و بیشتر به عنوان مدلي براي تحلیل به کار مي‌روند.[2]

نخستین پذیرندگان

نخستین پذیرندگان، با نظام اجتماعي محلي خود، یکپارچگي زیادي دارند. در بیشتر نظام‌هاي اجتماعي، این تیپ‌بیش از هر تیپ دیگري، رهبري افکار را در دست دارند و مورد مشورت قرار مي‌گیرند. به تعبیر دیگر، نخستین‌پذیرندگان، عمدتاً گروه مرجع افراد گروه هدف هستند و گروه هدف در رفتارها و عقاید خود به نظرها و رفتار آنهارجوع مي‌کنند و آنها را سرمشق خود قرار مي‌دهند. بسیاري از افراد، پیش از پذیرش تغییر، نخستین پذیرندگان را به‌عنوان افرادي قابل مشورت و معتبر مي‌دانند و کارگزاران تغییر نیز، این گروه را، همچون کارگزاران محلي تغییر براي‌تسریع فرایند تغییر مي‌نگرند. زیرا نخستین پذیرندگان، از نظر نوگرایي فاصله چنداني با افراد متوسط نظام ندارند وبراي اعضاي نظام اجتماعي، نقش الگو را بر عهده دارند. نخستین پذیرندگان، در نزد افراد سیستم هدف، محترمند وهمراهي آنان متضمن موفقیت است و البته آنها نیز

---

[2] براي توضیح بیشتر ر.ک. جوادي یگانه، محمد رضا و مهدي عباسي لاخاني (1381) **.تغییرات اجتماعي برنامه‌ریزي شده.** تهران: دفتر تحقیق و توسعه رادیو.

مي‌دانند كه براي حفظ احترام خود بايد پايگاه خود را در ساختاراجتماعي حفظ كنند. در نهايت مي‌توان گفت مشخصه اصلي زودپذيران، معتبر بودن آنهاست.

اكثريت زودپذير

مهم‌ترين مشخصه اكثريت زودپذير، دوراندیشي است. اكثريت زودپذير، بيش از اعضاي قشر متوسط نظام‌اجتماعي، تغيير را مي‌پذيرند. افراد اين تيپ، پيوسته با ديگر همفكران خود در ارتباط‌اند، اما به ندرت داراي مقام‌رهبري هستند. جايگاه اكثريت زودپذير (واقع شدن بين زودپذيران و كندپذيران) آنها را به رابط مهمي در فرايند تغييرتبديل مي‌كنند. ويژگي اساسي اكثريت زودپذير، بسيار دوراندیش بودن است و معمولاً زمان تصميم‌گيري آنها، به طورنسبي، از زودپذيران طولاني‌تر است.

اكثريت كندپذير

مهم‌ترين خصلت اكثريت كندپذير، شكاك بودن است. آنها تغيير را به واسطة نياز اقتصادي و يا فشار فزاينده نظام‌اجتماعي مي‌پذيرند. اين تيپ با ترديد به تغيير مي‌نگرد و تا پيش از پذيرش اكثريت افراد نظام اجتماعي، آن رانمي‌پذيرد. اگر هنجارهاي نظام اجتماعي، مؤيّد تغيير نباشند، اكثريت كندپذير آن را قبول نمي‌كنند. آنان را مي‌توان به‌استفاده از ايده‌هاي جديد ترغيب كرد، اما براي پذيرش آنها، فشار دروني گروه هدف، ضروري است.

ديرپذيران

ديرپذيران، افراد سنتي نظام اجتماعي‌اند. آنان در مقايسه با سايرين، محلي‌ترين ديدگاه را دارند و همه چيز را بازمان گذشته مقايسه مي‌كنند و تصميم‌سازي را بر اساس عملكرد گذشتگان انجام مي‌دهند. ارتباط چنين اشخاصي‌معمولاً با افرادي نظير خودشان است، معمولاً نسبت به كارگزاران تغيير ظنين هستند و نسبت به جهان به شدت متغيرامروزي، احساس بيگانگي و انزوا مي‌كنند.

متحجرين

متحجرين يا جزم‌انديشان، افرادي هستند كه هرگز تغيير اجتماعي را نمي‌پذيرند. اين افراد كه به شدّت دلبند به‌حفظ وضع موجود هستند، هر گونه تغيير را اختلال در نظم اجتماعي و باعث از هم پاشيدگي انسجام اجتماعي‌مي‌دانند. رويكردهاي كاملاً محافظه‌كارانة آنها، راه را بر پذيرش نوآوري‌ها از سوي آنها مي‌بندد. اين افراد كه باتقسيم‌بندي «مناسك گرا»ي مرتون قابل مقايسه هستند، از نظام اجتماعي، ظاهر آن را اخذ كرده و حفظ طابق‌النعل‌بالنعل هنجارها، ارزش‌ها و آداب و رسوم را وجهه همت خود قرار مي دهند. هر چند در عمل، اكثريت متحجرين به‌ديرپذيران تبديل مي‌شوند و به دليل نياز يا فشار اجتماع در هر حال تغيير را مي‌پذيرند، امّا در سطح نگرش‌ها هرگزنمي‌توانند با كارگزاران تغيير و خود تغيير همدلي داشته باشند.

گروه‌هاي مختلف جوانان از حيث رفتار جنسي

جوانان، را از حيث رفتار جنسي مي‌توان به شش دسته متفاوت تقسيم كرد.

- دسته اول: پرهيز از جنس مخالف
- دسته دوم: رفتار جنسي ذهني ـ تك نفره
- دسته سوم: ارتباط دوستانة پيش از رابطة جنسي
- دسته چهارم: رابطه جنسي دوستانه
- دسته پنجم: رابطه جنسي بي‌بندوبار
- دسته ششم: انحراف جنسي

اين طبقه‌بندي به حصر عقلي است، بدين گونه كه جوان يا رابطة جنسي (ذهني يا عيني) دارد يا ندارد، اگر رابطة‌جنسي دارد، اين رابطه يا بصورت طبيعي و با جنس مخالف است و يا بصورت انحرافي. رابطة جنسي طبيعي نيز به‌چهار دسته: تك نفره ـ ذهني، دوستانة پيش از رابطة جنسي، رابطة جنسي دوستانه، و رابطه جنسي بي‌بندوبار تقسيم‌مي‌شود. رفتار جوانان، به صورت تجمعي يا انباشتي مي‌باشد، يعني در بيشتر موارد (و البته نه تمام موارد) افراددسته‌هاي بالاتر، رفتار جنسي افراد دسته‌هاي پائين‌تر را تجربه كرده‌اند. اين موضوع به خصوص در ميان دسته‌هاي‌دوم تا پنجم عينيت بيشتري مي‌يابد. همچنين سطح رفتار از دسته اول تا دسته پنجم به ترتيب افزايش مي‌يابد و رفتارجنسي دسته‌هاي بالاتر نمود بيشتري در زندگي آنها مي‌يابد.

دسته اول: پرهيز از جنس مخالف

رفتار جنسي

اين گروه شامل افرادي است كه هيچ گونه رفتار جنسي را تجربه نكرده‌اند و در واقع، نمود فعاليت جنسي مردان‌اين گروه تنها به صورت احتلام است و در زنها نيز هيچ‌گونه نمودي وجود ندارد. جدا از كساني كه به علل‌فيزيولوژيك يا رواني سردمزاج هستند و ميل جنسي چنداني از خود بروز نمي‌دهند، عموم اشخاص متعلق به اين‌گروه كساني هستند كه به شدت از لحاظ مذهبي مقيد مي‌باشند. افراد متعلق به اين گروه معتقدند كه ازدواج تنها راه‌پاسخگويي به غريزه جنسي است به همين دليل معمولاً به دنبال ازدواج در سنين پائين هستند و در صورتي كه ازدواج‌به هر دليل ممكن نباشد، معتقد به كف نفس و كنترل خويش مي‌باشند. اين افراد براي كنترل خواستهاي جنسي خودسعي دارند تا به طريقي از مواجه شدن با جنس مخالف و تحريك احساسات و غرايز خود اجتناب كنند. افراد اين‌گروه از نگاه مستقيم به نامحرم پرهيز مي‌كنند و سعي در حداقل كردن ارتباط با نامحرمان را دارند. زنها حجاب‌پوشيده‌اي دارند. در اين حجاب، اغلب پيشاني و لبها

نيز پوشيده مي شود و سعي و تلاشي بخصوصي صورت‌مي‌پذيرد تا هيچ گونه از برجستگي‌هاي بدن ديده نشوند. افراد اين گروه چندان از مدهاي روز جامعه در پوشش وآرايش پيروي نمي‌كنند و نسبت به كساني كه تابع مد روز هستند، نظر خوشي ندارند. مردها بيشتر از عطر استفاده‌مي‌كنند تا ادكلن و زنها نيز به هيچ وجه از مواد خوشبو كننده و آرايشي در خارج از منزل بهره نمي‌برند. با طولاني‌شدن زمان اين روند، اين افراد حالتي خجالتي در مقابل جنس مخالف پيدا مي‌كنند كه در ادامه مي‌تواند منجر به بروزحالت اضطراب در هنگام مواجهه با جنس مخالف گردد. گاهي اين گونه اضطراب، موجب حركت سريع فرد به سطوح‌بالاتر رفتار جنسي و فرار از موقعيت حاضر مي‌گردد كه مي‌تواند به عنوان عارضه‌اي بر اين رفتار شمرده شود.

از نظر افراد متعلق به اين دسته، افراد ساير گروه‌ها، منحرف و بي‌قيد هستند كه معمولاً حتي شايسته رفت و آمد ورابطه هم شناخته نمي‌شوند. معمولاً افراد اين گروه با مشاهده كوچكترين ظواهر روابط جنسي در ميان سايرين،بيشترين ارتباطات را در پس پرده پيش‌بيني مي‌كنند. بنابراين طبيعي است كه اكثر مكالمات اجتماعي و فردي اين افرادبا اشخاص هم دسته و البته همجنس خود باشد و اگر بنابر ضرورت، مجبور به برقراري ارتباطي با افراد ساير گروههاشوند، ارتباطي همراه با ناخرسندي و شك خواهند داشت. به همين دليل افراد متعلق به اين گروه علاقه شديدي دارندتا در مناطقي خاص و جدا از سايرين زندگي كنند تا امكان انزواگزيني و تفكيك فضايي وجود داشته باشد.

با بالا رفتن سن و افزايش ارتباطات و روابط اجتماعي و افزايش سطح تحصيلات و نيز كاهش فوران نياز جنسي‌در اين گروه، احتمال ورود به طبقات دوم و بالاتر در اين گروه افزايش مي‌يابد. لذا تركيب سني در اين گروه، حالتي‌هرمي دارد.

شيوه جامعه‌پذيري

منبع نگرشها، اخلاقيات و جامعه‌پذيري اين گروه به صورت عمده از سه بخش است:

ـ خانواده

ـ تحصيل در مدارس مذهبي. دانش‌آموزان اين مدارس از اقشاري هستند كه خانواده آنها نيز متعلق به همين گروه‌مي‌باشند.

ـ تشكل‌هاي مذهبي خاص بخصوص بسيج مساجد و دانشگاه

اقشار مذهبي در هر پايگاه اجتماعي ـ اقتصادي كه باشند، مي‌كوشند كه فرزندانشان از دوره دبستان تا پايان‌دوران دبيرستان، در مدارس مذهبي و بويژه غيرانتفاعي مذهبي تحصيل كنند. نكته حائز اهميت آنكه محيط مدرسه وكيفيت دانش‌آموزان براي اين والدين آنقدر مهم است كه طبقه متوسط و پائين، علي رغم درآمد پائين و شهريه سنگين‌مدارس غيرانتفاعي، حاضر به پرداخت اين هزينه‌ها هستند، هر چند كه بقيه امور زندگي با مشكل مواجه شود.

به دليل قوت كنترل دروني و شخصي در اين افراد معمولاً احتياج چنداني به كنترل خارجي وجود ندارد. در بيشترمواقع خانواده به اندازه كافي به آنها اعتماد دارد و از كنترل خارجي بيشتر براي نمايش حساسيت والدين استفاده‌مي‌شود.

ميزان پذيرش تغيير

در مجموع مي‌توان گفت در صورتي كه راه حل ارائه شده از سوي كارگزاران تغيير جهت تسهيل ازدواج، آن هم‌ازدواجي كه در حال حاضر شناخته شده است، باشد، اين گروه جزء نخستين پذيرندگان تغيير خواهند بود، ليكن‌راه‌حل‌هاي ديگر و حتي شكل‌هاي جديد ازدواج كه در قالب سنتي مرسوم نباشد، چندان توفيقي در اين گروه نخواهنديافت.

در مورد تغيير بايد توجه داشت كه اين افراد تا حدودي وضع موجود خود را مطلوب مي‌دانند و به آن افتخار نيزمي‌كنند در واقع كف نفس و سركوب اميال جنسي را نوعي عبادت و موجب تعالي روح مي‌دانند؛ لذا چندان هم به تغييرباز نيستند. افراد متعلق به اين گروه چندان ضرورتي جهت تغيير خود حس نمي‌كنند و چون راه‌حل‌هاي تغيير را بيشتراز ناحيه جريانات نوانديشي ديني مي‌دانند، موافقتي نشان نمي‌دهند. حتي در صورتي كه كارگزار تغيير، مورد تأييد اين‌گروه و به قولي خودي محسوب شود، چنين ابراز مي‌شود كه اين راه حل براي بقيه و برحسب ضرورت بوده است وگرنه راه‌حل مقابله با كشش جنسي، ازدواج به شيوة عرفي آن و در صورت عدم امكان، كف نفس است كه خود گامي‌در جهت تعالي است.

دسته دوم: رفتارهاي جنسي ذهني ـ تك نفره

دسته دوم جوانان، كساني هستند كه از رفتار آنها تحت عنوان رفتار تك نفره ـ ذهني ياد مي‌شود. رفتار جنسي اين‌دسته شامل طيفي از تخيل جنسي، چشم‌چراني، نگاه كردن فيلم و عكس و CDهاي جنسي، خواندن كتابهايي با بارجنسي، خودارضايي، گفتگو و شوخي غيرجنسي با جنس مخالف، مزاحمت تلفني و گفتگوي جنسي در مورد جنس‌مخالف با همجنس است. بايد خاطرنشان كرد كه اين گونه فعاليت‌ها ممكن است در سطوح بالاتر رفتار جنسي نيزصورت پذيرد، اما افراد دسته‌هاي ديگر علاوه بر موارد ذكر شده به رفتارهاي ديگر جنسي نيز مبادرت مي‌كنند؛ درحالي كه رفتار افراد متعلق به اين دسته، محدود به همين رفتارها مي‌باشند.

رفتار جنسي

رفتار اين دسته را مي‌توان به دو سطح كاملاً مجزا تقسيم نمود: سطح اول، رفتارهايي است كه كاملاً يك نفره استو سطح دوم شامل رفتارهايي است كه يك شخص نامشخص و نامعيني نيز در رفتار شريك مي‌شود. اين شخص فردخاصي با خصوصيات مشخص نمي‌باشد و تنها جنسيت او مهم است.

رفتار جنسي تك‌نفره

خودارضايي: خودارضايي از جمله رفتارهاي شايع در ميان جوانان است. اين عمل ممكن است در مراحل ابتدايي و مخصوصاًدر سنين آغازين بلوغ و حتي قبل از آن، به قصد لذت‌جويي انجام شده و پيشتر از آن از روي حس كنجكاوي وهمچنين اطمينان‌يافتن از توانايي انجام عمل جنسي صورت پذيرد. با بالا رفتن سن و كشف لذتهاي عمل جنسي،خودارضايي بيشتر به قصد لذت‌جويي انجام مي‌شود. خودارضايي با آنكه از لحاظ اجتماعي بي‌خطر است و امكان‌بدنامي و آبروريزي براي شخص ندارد و با وجود آن كه در خصوص عواقب سوء آن براي سلامتي و تندرستي ترديدجدي وجود دارد، ليكن مي‌تواند از لحاظ رواني بسيار مخرب باشد. شايعاتي در ميان مردان وجود دارد مبني بر آنكه‌خودارضايي باعث كاهش بينايي، ابتلاي به امراض جنسي و در نهايت از بين رفتن قدرت جنسي و يا حداقل لذت‌نبردن از ارتباط با جنس مخالف مي‌گردد. علاوه بر اين، حرمت موضوع از لحاظ ديني باعث مي‌شود كه هر بار پس ازخودارضايي، شخص تصميم بگيرد كه ديگر سراغ خودارضايي نرود اما با گذشت زمان و ايجاد فشار باز هم به دنبال‌خودارضايي مي‌رود و با شكستن تصميم و اراده قبلي خود مكرراً به نوعي دچار شكست مي‌گردد كه در دراز مدت‌مي‌تواند اثرات رواني شديد و بروز حالات عدم اعتماد به نفس عميق گردد. بنابراين توجه به عوارض خودارضايي وكوشش در راه تخفيف آنها بايد مورد توجه برنامه‌ريزان و مديران فرهنگي باشد.

خودارضايي در بيشتر حالات و به جز مواقعي كه تبديل به نوعي عادت شده است، همراه با تخيل جنسي است.گاهي اين تخيل با ديدن عكس و فيلم‌هاي جنسي تقويت مي‌شود. در اين صورت با افزايش امكانات شخصي نظيراتاق شخصي، كامپيوتر شخصي و... خودارضايي تشديد مي‌شود.

به طور كلي خودارضايي در زنان و دختران كمتر از پسران و مردان است، زيرا زن تا قبل از تجربه عمل جنسي،چندان نمود جنسي در بدن خود ندارد و در واقع نقاط تحريك‌پذير زن و روشهاي ارضاي آن بايد كشف شوند.خودارضايي در زنان، نيازمند داشتن اطلاعات كافي است و بيش از خودارضايي در مردان، آموختني است؛ زيرا مردبا توجه به تفاوت فيزيولوژيك زن و مرد، خيلي سريع‌تر و راحت‌تر از نحوه تحريك خود مطلع مي‌شود. از اين روست‌اغلب گفته مي‌شود كه خودارضايي در دختران رابطه مستقيمي با سطح سواد و افزايش روابط اجتماعي دارد.

خواندن كتابهاي با بار جنسي: استفاده از كتاب نوع ديگري از رفتار جنسي است، كه در اين بخش مي‌گنجد. استفاده از كتاب به شدت با تخيل‌همراه است و بيشتر براي ارضاي كنجكاوي و لذت‌جويي مي‌باشد.

در مراحل ابتدايي استفاده از كتاب با مقاصد جنسي، از كتابهاي عام كه داراي فصولي مربوط به مسايل جنسي‌هستند، آغاز مي‌شود، كتابهايي نظير رساله‌هاي عمليه، كتاب ازدواج در اسلام شهيد پاك‌نژاد، رمانهاي اعتمادي وقاضي‌سعيد و بعضي داستانهاي مبتذل چاپ قبل از انقلاب كه به شكل غيرقانوني تكثير و مبادله مي‌شوند (به خصوص‌اين موارد اخير كه در ميان دختران دبيرستاني شيوع گسترده‌اي دارد) و در مراحل بعدي از كتابهايي كه خود به منظوراستفاده جنسي تهيه شده‌اند، بهره برده مي‌شود. انواع داستانهايي كه امروزه از اينترنت (اكثراً به زبان انگليسي) دريافت‌شده و در ميان جوانان بويژه تحصيل‌كردگان دست به دست مي‌شوند، از اين دست مي‌باشند. بعضي از كتب قديمي نيزصرفاً چنين استفاده‌اي در ميان جوانان يافته‌اند، كتبي مانند رستم‌التواريخ، رساله دلگشاي عبيدزاكاني...

عكس و فيلم و CD: عكس و فيلم و CD جنسي معمولاً به دو نوع عادي جنسي(Soft) و زننده (Hard) تقسيم مي‌شود. در مواردعادي جنسي از روابط جنسي تصويري لطيف‌تر ارائه مي‌شود و برخلاف موارد زننده، آلت جنسي به نمايش درنمي‌آيد. فيلم‌هاي عادي جنسي معمولاً تحت عنوان نيمه، شناخته مي‌شوند كه اغلب اين فيلم‌ها باعث تحريك بيشتري‌مي‌شود. پس از چند بار ديدن فيلم‌هاي زننده و تا حدودي رفع كنجكاوي، تمايل به نگاه كردن فيلم‌هاي عادي جنسي‌و به خصوص قصه‌دار در ميان بينندگان ايراني بيشتر است.

نگاه كردن فيلم در جوانان مجرد به اشكال مختلفي صورت مي‌گيرد. انفرادي، جمعي ساكت و جمعي در حال‌گفتگو. در صورتي كه ديدن فيلم به صورت فردي باشد، عارضه بيشتر مي‌تواند به صورت تشديد تخيلات، تحريك‌جنسي و در نهايت خودارضايي باشد. اما در صورتي كه فيلم به صورت جمعي ديده شود (در اين دسته تمامي افرادجمع از يك جنس هستند) در حالتي كه دخترها با هم هستند، احتمال بروز رفتارهاي همجنس‌گرايانه بسيار افزايش‌مي‌يابد؛ به خصوص در حالتي كه جمع ساكت است، امكان انحراف افكار به سوي يكديگر بسيار زياد است. در مقابل‌در جمع پسران اگر گفتگو صورت‌پذيرد، بيشتر منجر به گذاشتن قرارهايي براي ارتباط جمعي با فواحش مي‌گردد و درصورتي كه جمع ساكت باشد، بيشتر احتمال رفتارهاي همجنس‌گرايانه و يا خودارضايي وجود دارد.

با رشد تكنولوژيهاي تصويري و به خصوص استفاده از CD، روند روزافزوني در استفاده از اين وسايل وجوددارد. در حال حاضر برخي CDهاي آموزشي جنسي در ميان جوانان دست به دست مي‌شود كه ميزان تمايل به اين‌نوع CDها نشان دهنده آن است كه جوانان ضمن نگاه كردن CD به قصد لذت‌جويي، به دنبال كسب و بسط‌اطلاعات و ارضاي حس كنجكاوي خويش مي‌باشند.

در فرهنگ ايراني، تا قبل از ظهور فيلم و عكس و CD، جامعه‌پذيري جنسي در ميان مردان بيشتر از طريق‌جوك‌هاي جنسي و در ميان زنان، بيشتر از طريق گفتگوهاي زنانه بوده است. مردان به دليل وجود نوعي تابو ومسائل غيرتي و ناموسي، تمايل چنداني به صحبت مستقيم در خصوص تجربيات شخصي خود ندارند و سعي مي‌كنندبيشتر از طريق غيرمستقيم خصوصاً جوك‌هاي جنسي به تبادل اطلاعات بپردازند. در حالي كه در ميان زنان و دختران‌اين محدوديت وجود ندارد. يك علت اين تفاوت اين نگاه سنتي است كه مردي و مردانگي با هم پيوند نزديك دارند وچنانچه شخصي در بيان تجارب شخصي خود، از مطالبي سخن بگويد كه نشاندهنده كاهش قدرت جنسي او باشد ـمواردي مانند انزال سريع، عدم قدرت جنسي و... ـ، مردانگي او زير سؤال خواهد رفت. اما زنان در نگاه سنتي، منفعل‌و پذيرا هستند و مشكلات جنسي آنها، به شوهرانشان مرتبط مي‌شود نه خود آنها و لذا راحت‌تر مي‌توانند از تجارب ومشكلات خود سخن بگويد.

اما در حال حاضر استفاده از روشهاي جديد تكنولوژي‌هاي صوتي و تصويري، شيوة جامعه‌پذيري جديدي را بنانهاده است كه به دليل وام‌گرفته شدن مستقيم از فرهنگ غربي مي‌تواند نقطه شكل گرفتن و رشد عوارض خطرناكي‌شود كه در ادامه به اختصار به آنها اشاره خواهيم كرد. مواردي نظير روابط دهاني و موقعيت‌هاي آميزشي متفاوت ومتنوّع چندان نمودي در فرهنگ جنسي ما نداشته‌اند كه در حال حاضر به دليل تماشاي چنين فيلم‌هايي، در حال رشدمي‌باشد. اما موضوع فسادبرانگيز در جايي است كه اين فيلم‌ها به نمايش ارتباط چند نفره نظير دو زن با يك مرد يادو مرد با يك زن و يا چند زن با چند مرد مي‌پردازند. جوان نه چندان مطلع، با ديدن روابطي از اين دست كه حتي درميان جوامع غربي نيز چندان مقبول نمي‌باشند و بيشتر در فيلم‌هاي خاص ديده مي‌شود و متعلق به جمعيت قليلي است‌و حتي اجاره و خريد آن در ويديو كلوپ‌ها تقريباً محدود است و كمتر نمايش عمومي از آن وجود دارد، اين گونه‌روابط را به عنوان وضعيت عادي و نرمال جوامع مدرن مي‌پذيرد و به راحتي قصد تقليد از آن را دارد كه تقليد از آنها،بسيار فسادانگيز خواهد بود.

همچنين مشاهده اين فيلم‌ها و عكس‌ها كه موضوع آنها اغلب افرادي خاص و انتخاب شده هستند، ديدن روابطي‌طولاني‌مدت كه ممكن است با روشها و حقه‌هاي سينمايي يا با استفاده از دارو بدست آمده باشد يا نمايش مردان وزنان با اندام‌هاي كشيده و متناسب، مي‌تواند منجر به بروز حالات رواني خودكم‌بيني و احساس تحقير شود كه به‌خصوص مي‌تواند در زندگي آينده جنسي در قالب ازدواج، موجب ايجاد اختلال در روابط جنسي زوجين گردد. بويژه‌اگر هر يك، شريك جنسي را با آنچه قبلاً ديده است مقايسه كند. از سوي ديگر در صورتي كه در ازدواج آينده، يكي‌از طرفين ـ اكثراً مردان ـ تجربه ديدن چنين فيلم‌هايي را داشته باشد و طرف ديگر ـ اكثراً زنان از دسته اول ـ ازچگونگي روابط جنسي در آنها بي‌خبر باشد، مي‌تواند موجب بروز مشكلات جنسي در خانواده شود؛ زيرا توقعات‌جنسي فردي كه از اين وسايل استفاده كرده است

بسيار بالاتر رفته و داراي ذائقه‌اي تغيير يافته است. در عين حال به‌لحاظ عدم تجربه و اطلاع كافي از روشها و همچنين ثابت ماندن نگرشها و تصورات در خصوص عمل جنسي درطرف مقابل، امكان برآورده شدن و پاسخگويي به اين توقعات و ذائقه وجود نخواهد داشت. بنابراين مشاهده مي‌شودكه اطلاع‌رساني در خصوص اين گونه فيلم‌ها و عكس‌ها براي جوانان و حتي خانواده‌هاي تازه تشكيل، بسيار مهم وحياتي و چشم‌پوشي از آن مي‌تواند منجر به بروز ناهنجاريهاي جنسي فراوان حتي در قالب خانواده‌ها گردد.

اينترنت: ظهور اينترنت نيز عامل موثري در افزايش رواج چنين فيلم‌ها و عكس‌هايي بوده است. در واقع پيدايش اينترنت‌هزينه بدست آوردن چنين مواردي را به شدت كاهش داده است. در ميان برخي از جوانان تحصيلكرده، تنها استفاده‌متصور از اينترنت، استفاده از فيلم و عكس‌هاي جنسي است. علاوه بر عوارضي كه در مورد فيلم و عكس و CD گفته‌شد، استفاده جنسي از اينترنت عوارض ديگري نيز دارد: اول آن كه به دليل سهولت دسترسي، استفاده‌هاي‌همجنس‌گرايانه در آنها به راحتي صورت مي‌پذيرد، زيرا حتي در ميان افراد بي‌بندوبار جنسي نيز چنين گرايشاتي‌تقبيح مي‌شود و به راحتي نميتوان فيلم‌ها و عكس‌هاي مربوط به آن را تهيه كرد؛ درحالي‌كه در اينترنت مواردBSDM به سهولت قابل دستيابي هستند و فرد ديگري نيز مطلع نمي‌شود. موضوع ديگر، اعتياد به اينترنت و به‌خصوص فيلم و عكس‌هاي جنسي است كه به شدت در حال افزايش است. تنوع عكس‌ها و فيلم‌ها در اينترنت واستفاده از Linkهاي بي‌شمار در سايت‌هاي جنسي منجر به آن مي‌شود كه فرد توانايي جدا شدن از اينترنت را ازدست بدهد و وقت بسيار زيادي را بابت پيدا كردن عكس‌ها و فيلم‌ها و مشاهده آنها از تخصيص دهد. به عنوان نمونه‌در يك سايت خاص اينترنتي، امكان دريافت حدود 70/000 قطعه عكس جنسي وجود دارد. در صورتي كه اين‌سايت Download و دريافت شده و براي ديدن هر عكس تنها 10 ثانيه زمان صرف شود، حدود 10 ساعت تنهاصرف ديدن اوليه آن خواهد شد. البته اعتياد و وقت‌گذراني و تلف نمودن عمر در خصوص ماهواره نيز صدق مي‌كند؛زيرا تعدد كانال‌هاي ماهواره‌اي موجب وقت‌كشي بسيار مي‌شود. بر اساس نظر برخي از روانشناسان، يكي از دلايل‌بيشتر شدن ميزان قبولي دختران در كنكور در سال‌هاي اخير، ظهور اينترنت و ماهواره بوده است كه بر اساس‌ملاحظات جامعه بيشتر در اختيار پسران قرار مي‌گيرد تا دختران، و نيز سايت‌هاي اينترنتي نوعاً براي استفاده مردان‌است تا زنان.

چشم‌چراني و نظربازي: چشم‌چراني و نظربازي رفتار شايع ديگري در ميان افراد اين سطح است كه در ميان جواناني كه از لحاظ رواني،اعتماد به نفس و تجربه و قدرت بروز رفتار جنسي سطح بالاتري را ندارند، ديده مي‌شود. هر چند چشم‌چرانيموضوعي بسيار عام است و در ميان بسياري از افراد جامعه و حتي متأهلين قابل مشاهده است، ليكن در ميان جوانانو به خصوص افراد اين دسته به شكلي برنامه‌ريزي شده، منظم و با قصد قبلي انجام مي‌شود. در حال حاضر بسياردیده مي‌شود كه جمعي از پسران و يا حتي دختران تنها به قصد

چشم‌چراني و نظربازي، معمولاً در دسته‌هاي كوچك‌براي قدم‌زدن و گشت و گذار در مراكزي كه به حضور دختران و پسران جوان معروف هستند، مبادرت مي‌كنند.در چشم‌چراني جمعي، رفتار جنسي با صحبت و متلك جنسي و غيرجنسي ادامه مي‌يابد، ليكن رفتار جنسي اين گروه‌در همين مقطع پايان مي‌پذيرد. در حاليكه در دسته‌هاي ديگر ممكن است پاسخگويي طرف مقابل به نگاه چشم‌چران،منجر به بروز رفتارهاي جنسي سطح بالاتري نيز گردد.

مخفيانه ديدن: نوع ديگر رفتار در اين سطح، مخفيانه ديدزدن جنس مخالف است كه معمولاً از مراكز مخفي نظير پشت پرده انجام‌مي‌شود. مقصد ديد زدن، بيشتر خانه همسايه‌هايي است كه در آنها جنس مخالف ـ اكثراً زن ـ حضور دارد. اين نوع‌ديد زدن بيشتر به قصد ارضاي كنجكاوي و اطلاع از رفتار جنس مخالف در زمانهايي كه تنها به سر مي‌برد، مي‌باشد،درحالي‌كه چشم‌چراني در حالت قبلي بيشتر به اميد پاسخگويي طرف مقابل و ايجاد رابطه‌اي سطح بالاتر انجام‌مي‌شود.

خودنمايي: رفتاري كه در مقابل چشم‌چراني مطرح مي‌شود، خودنمايي است كه هر چند بيشتر در ميان دختران شايع است‌ليكن در ميان پسران نيز به چشم مي‌خورد. سعي در پوشيدن لباسهايي خاص و تابلو شدن، پوشيدن لباسهاي تنگ،نمايش عضلات بدن كه حتي گاهي منجر به پوشيدن يك تي‌شرت تنگ در هواي سرد مي‌شود، رواج فعاليت‌باشگاههاي بدنسازي در ميان پسران، بازگذاشتن دكمه مانتوها، كاهش بلندي مانتوها در مدهاي جديد، بيرون ريختن‌موي سر و رنگ كردن قسمتهايي از آن و رواج بيش از حد آرايش و اصلاح صورت در دختران از نمودهاي‌خودنمايي هستند.

رفتار جنسي ذهني يا بصورت ناشناس

سطح ديگر اين دسته از افراد، كساني را در بر مي‌گيرد كه فعاليت جنسي آنها با يك شخص يا چند شخص كه‌معمولاً حداقل از يك طرف ناشناخته و نامشخص است همراه مي‌شود. افرادي كه در اين سطح قرار دارند حداكثررفتار جنسي كه از خود نشان مي‌دهند عبارتست از شوخي و گفت و گوي دوستانه با فاميل و يا همكار، گفتگو درمورد مسايل جنسي و جنس مخالف، با همجنسان خود، ارتباط يا مزاحمت تلفني ناشناس و پاسخگويي به آن و درانواع امروزي‌تر اقدام به گفتگو از طريق اينترنت (Chat) مي‌باشد.

گفتگوي غيرجنسي: به واسطه ارتباط‌هايي كه زمينه جنسي ندارند، نظير ارتباط دو همكار، ارتباط دو همكلاس در كلاسهاي فوق‌برنامه‌يا دانشگاه و يا ارتباطات فاميلي يا همسايگي ميان دو جوان از جنس مخالف، گفتگو رخ مي‌دهد كه معمولاً نوعي‌رگه‌هاي جنسي بصورت ناخودآگاه را مي‌توان درآن مشاهده كرد. ليكن خود اشخاص به اين موضوع معترف نيستند واغلب در صورت مطرح شدن اين مسأله، وجود بار جنسي را در اين رابطه تكذيب مي‌كنند؛ اما مسايلي نظير رد و بدل‌جزوه ميان دختران و پسران با وجود داشتن همكلاسي از همجنس، تغيير حالات رفتار و گفت و گو در ارتباط با جنس‌مخالف و مسايل بسياري از

اين دست، مي‌توانند به نوعي مؤيد ادعاي وجود بار جنسي در اين ارتباطات باشد. به طورمعمول اين گفت و گوها، با حفظ حريم و فاصله‌هاي فيزيكي و گفتاري انجام مي‌شود و طرفين سعي دارند ادب وهنجارهاي جامعه را در اين خصوص رعايت كنند، در غير اين صورت، اين ارتباط از اين دسته خارج شده و وارددسته‌هاي ديگر مي‌شود. موضوع اين گفت و گوها حول و حوش مسايل عمومي نظير امور كاري، اجتماعي، سياسي،تحصيلي و ساير موارد مشابه است. محل انجام اين گفت و گو معمولاً در امكان عمومي و در مقابل چشمان ناظرين وشاهدين متعدد مي‌باشد تا از ايجاد هر گونه شائبه، جلوگيري شود. در حال حاضر هنجارهاي اجتماعي چندان تضاد ومخالفتي با اين گونه روابط ندارند، حتي اين پذيرش روز به روز در حال پذيرفته‌تر شدن است؛ زيرا به عنوان مدخلي‌براي ازدواج‌هاي جديد و خارج از شكل سنتي پذيرفته شده است.

اين گفتگوها به نوعي باعث ارضا و تخليه رواني مي‌شوند. بارها ديده شده است كه طرفين پس از گفتگوهايي اين‌چنين، حالتي سرخوشي دارند و در صورتي كه از سوي دوستانشان در خصوص اين روابط مورد شوخي و سر به سرگذاشتن واقع شوند، لذت مي‌برند. در عين حال در صورت جدي شدن اين توجه، ديگران به شدت به تكذيب نقش‌مسايل جنسي در اين روابط مي‌پردازند. در صورتي كه دفعات اين گفتگوها بين افراد خاص افزايش پيدا كند معمولاًباعث افزايش زمانهاي ارتباط نيز مي‌شود كه اين نوع ارتباط در ادامه مي‌تواند يكي از مداخل اصلي ورود به سطح‌بعد، يعني ايجاد دوستي بين طرفين گردد. در چنين حالاتي، اين گفتگوها نقش ابزاري براي انجام آزمون طرفين واطمينان يافتن از يكديگر را بازي مي‌كنند.

جوك جنسي: گفتگوي جنسي و صحبت از مسايل جنسي و جنس مخالف در ميان همجنسان معمولاً از شوخي و جوك آغازمي‌شود. در مراحل ابتدايي و آغازين رواج جوك‌هاي جنسي در ميان جوانان، جوك گفتن با نوعي تحريك جنسي‌همراه است؛ ليكن به مرور زمان و عادي شدن استفاده از جوك و همچنين پيدايش منابع قويتر تحريك جنسي، جوك‌خاصيت تحريك‌كنندگي زياد خود را از دست مي‌دهد و بيشتر به ابزاري براي آموزش، ارضاي حس كنجكاوي وابراز وجود جنسي تبديل مي‌شود.

عناصر جوك‌هاي جنسي در فرهنگ ايراني عبارتند از فحشاي زنهاي شوهردار و بي‌غيرتي مردان آنها،توانايي‌هاي جنسي فوق‌العاده و يا ناتواني جنسي و رابطه مردان با پسران نوجوان كه تمامي آنها ناهنجاري جنسي‌محسوب مي‌شوند، كه به نوعي قصد تقبيح اين روابط را دارد. اين قبيل جوك‌ها نقش مؤثري در شكل‌گرفتن ارزشها وهنجارهاي جنسي جوانان دارند و در متن خود به نوعي باعث انتقال اطلاعات و ارضاي حس كنجكاوي و آموزش‌جوان نيز مي‌گردند. جوك‌هاي جنسي، بيشتر در بين پسران متداول است تا دختران، به خصوص در سنين پائين‌تر كه‌وسيله‌اي براي ابراز قدرت جنسي و تأكيد بر وارد شدن به دنياي مردان مي‌باشد. با آنكه اين گونه‌ها جوك‌ها بخش‌عمده‌اي از فرهنگ جنسي جوانان را بازتاب مي‌دهند اما به لحاظ

نوشته نشدن به سختي قابل مطالعه هستند. هر چنداين نقيصه با ظهور اينترنت در حال از بين رفتن است و چند سايت مختص گردآوري جوك فارسي و بويژه جوك‌هاي‌جنسي هستند، ليكن هنوز هم تغييرات مضمون جك‌ها در طي زمان قابل مطالعه نمي‌باشد و تنها امكان مطالعه تجمعي‌و يا ايستاي آنها وجود دارد كه خود ميتواند موضوع تحقيقي جداگانه باشد.

گفتگوي جنسي: با گذشت زمان و مطرح شدن بيشتر جوك‌هاي جنسي و از بين رفتن موانع و محذورات اخلاقي و شكستن قبح‌قضيه، مسايل جنسي از حالت تابو خارج شده و گفت و گوي جوانان در خصوص موارد جنسي رسمي، به سوي‌مسايل جدي‌تر و به تدريج حتي نقل تجربيات شخصي كشيده مي‌شود. در صورت وقوع چنين حالتي در ميان پسران‌موضوع صحبت بيشتر حول و حوش خصوصيات بدن خود و جنس مخالف، روشهاي خودارضايي و البته شرح‌فتوحات جنسي مي‌باشد. از آنجا كه اثبات تعداد فتوحات جنسي در ميان پسران، منبع اعتبار است، در اغلب اين‌موارد، شرح آنها همراه با غلو و حتي از اصل، دروغ مي‌باشد. در چنين جمع‌هايي مشاهده مي‌شود كه پسران و مردان‌از گفتگو در مورد فتوحات جنسي ساير پسران و مردان نيز لذت مي‌برند. در مقابل در ميان دختران صحبت‌ها بيشتردر خصوص مشخصات جنسي پسران و دختران و به خصوص مسايل زنانگي و تحريك جنسي و ذكر بي‌بندوباري‌جنسي بعضي از دختران به همراه تقبيح آنها مي‌باشد. بايد اذعان داشت كه محتويات اين گفت و گوها در ميان دختران‌واقعي‌تر است؛ زيرا اين بحث در مردان، بيشتر از هر چيز ديگري اثبات مردانگي و قوت جنسي انفرادي مي‌باشد.بنابراين اين گونه گفت و گوها در ميان دختران باعث افزايش اطلاعات جنسي واقعي و قوت گرفتن دروني آنهامي‌گردد، در حالي كه در ميان پسران نقش مؤثر و سازنده چنداني ايفا نمي‌كند. موضوع ديگري كه به اين امر دامن‌مي‌زند، جدا بودن مكالمات جنسي مردان زن‌دار از پسران مجرد است كه معمولاً به لحاظ وجود غيرت مردانه در ميان‌جمع‌هاي مردانه رخ مي‌دهد كه باعث مي‌شود در گفت‌وگوي پسران مجرد، تنها گفته‌هاي مستند از روابط جنسي‌واقعي، ارتباط با فواحش باشد كه علاوه بر غلو در نحوه و ميزان آنها، وضعيت عادي و مطلوب فعاليت جنسي‌محسوب نمي‌شود و نمي‌تواند نقش جدي در تربيت جنسي پسران ايفا كند. اما در زنان، گفتگوي جنسي در ميان زنان‌متأهل، با حضور دختران جوان صورت مي‌گيرد كه تأثير مهمي در جامعه‌پذيري جنسي آنها دارد.بنابراين در مجموع‌بايد گفت در حالي كه اين گفتگوها نقش مؤثري در شكل‌گيري اخلاقي جنسي دختران دارند، در ميان پسران،موضوعي گذرا و از اين لحاظ قابل چشم‌پوشي هستند.

رابطة تلفني: نوع ديگري از فعاليت‌هاي اين دسته، ايجاد رابطه تلفني و جوابگويي به آن مي‌باشد. اقدام به ايجاد رابطه تلفني، به‌لحاظ آنكه تلفن كننده اطلاعات بيشتري از طرف مقابل در اختيار دارد، (حداقل شماره تلفن طرف مقابل)، و همچنين‌اطمينان از عدم امكان افشاي هويت خود در حالت عادي، ساده‌تر و با

خطرپذيري كمتري همراه است. در حالي كه‌پاسخگويي به تلفن به لحاظ عدم اطمينان از ناشناس بودن تلفن‌كننده و طريقه دست‌يابي او به شماره تلفن شخصي واحتمال وجود امتحان از جانب نزديكان، همراه با خطرپذيري و ريسك بيشتري است. در عين حال، در فرهنگ فعلي‌ما به لحاظ آنكه در صورت افشاي مسايل جنسي، پسران كمتر از دختران آسيب مي‌بينند، پسران خطرپذيرتر هستند؛بنابراين در بيشتر موارد تلفن‌كننده دختر و پاسخگو پسر مي‌باشد.

روابط تلفني كم خطرترين و كم هزينه‌ترين نوع رابطه با جنس مخالف است. نداشتن مكان مناسب، شغل آبرومند،نداشتن فرصت كافي براي ارتباط با جنس مخالف، ترس از آبروريزي و گرفتاري بدست مأمورين، اعتماد به نفس‌پائين و كنترل خانواده از جمله انگيزه‌هايي هستند كه افراد را به رابطه تلفني سوق مي‌دهند.

در هر صورت در چنين روابطي به لحاظ ديده نشدن طرفين و عدم وجود رابطه و اطلاعات قبلي، جملات ابتدايي‌ردوبدل شده، در ايجاد اعتماد و شكل گرفتن رابطه نقش مؤثري دارند و انتخاب آنها احتياج به دقت، تجربه وشناخت كافي از طرف مقابل دارد. اما همين خصوصيت رابطه تلفني، يعني ديده نشدن، باعث مي‌شود كه طرفين كمتراز يكديگر خجالت بكشند و به خصوص از آنجا كه از پيش مشخص است ايجاد چنين رابطه‌اي به چه قصدي است،خيلي سريع‌تر از آنچه كه در روابط چهره به چهره رخ مي‌دهد، موضوع گفت و گو وارد مسايل جنسي و به خصوص‌مشخصات فيزيكي و جنسي طرفين مي‌شود كه مي‌تواند به شدت تحريك كننده و باعث ايجاد خودارضايي حتي درحين مكالمه تلفني گردد. سرعت ورود به مسائل جنسي، همچنين بستگي به مهارت و تجارب قبلي فرد نيز دارد.چنانچه گفتگو، اولين تجارب گفتگوي فرد باشد، ممكن است مدتها طول بكشد تا فرد بتواند بر خجالت خود غلبه‌كرده و وارد مسائل جنسي شود.

البته ديده نشدن طرفين و عدم آشنايي قبلي، باعث رواج دروغ گويي و غلو در برتريهاي جنسي و غيرجنسي دوطرف نيز مي‌شود. در چنين مكالماتي دختر عليرغم آن كه براي ارضاي نيازهاي خود احساس مي‌كند كه لازم است‌سطح موارد مطرح شده را بالاتر ببرد، ليكن به لحاظ ترس از برچسب فاحشگي خوردن، سعي دارد كه وقيحانه‌صحبت نكند و شروع مكالمه و موضوع با پسر باشد كه خود باعث ايجاد حالت تضاد و اضطراب در دختران ورفتاري منفعلانه از سوي آنان به خصوص در تجربيات اول مي‌گردد. در بسياري از موارد به محض پديد آمدن‌نشانه‌هايي از برداشت فاحشگي پسر از دختر، ارتباط به سرعت از جانب دختر قطع مي‌شود. در مكالمات تلفني درصورتي كه اعتماد شكل‌گرفته، به مكالمه نوبت بعدي منجر شود، به تدريج موضوع از موارد صرفاً جنسي خارج شده‌و به دوستي كشيده مي‌شود. اين امر مي‌تواند كمك شاياني به افزايش اعتماد در ميان طرفين كند، و در پي آن احتمال‌گذاشتن قرار ملاقات و ديدار حضوري بسيار

افزايش مي‌يابد. براي ادامه مكالمات و در پي آن ملاقات باز هم نقش‌اعتماد تلفن‌شونده به تلفن‌كننده بسيار مهم است. بنابراين توجه به اين اعتماد و منابع آن مي‌تواند يكي از نقاط توجه‌برنامه‌ريزان باشد.

مزاحمت تلفني: نوع خاصي از ارتباط تلفني، مزاحمت تلفني است كه بر عكس حالت شرح داده شده با رضايت تلفن‌شونده همراه‌نيست و يا حداقل به دلايلي نظير عدم اعتماد، اين رضايت بروز داده نمي‌شود. در اين صورت بروز رفتارهاي جنسي‌بيشتر با فحاشي جنسي همراه است. در چنين حالاتي به طور معمول تلفن‌كننده مرد است و از فحاشي و آزار جنسي‌زن لذت مي‌برد كه نوعي بروز ساديسم جنسي و ارضاي آن است. ديده مي‌شود كه گاهي اوقات طرف مقابل عليرغم‌عدم رضايت ظاهري به اين فحاشي گوش مي‌دهد و سريعاً تلفن را قطع نمي‌كند كه اين گونه رفتار نيز همراه با لذت ودر واقع بروز مازوخيسم است.

گفتگوي اينترنتي: نوع آخر روابطي از اين دست، استفاده از گفتگو در اينترنت (chat) است. در موارد استفاده جنسي ازسرويس‌هاي گفتگو در اينترنت، معمولاً جواناني با اسمي كه قابل شناسايي نباشد وارد اينترنت مي‌شوند و به‌گفتگوهاي جمعي مي‌پردازند. در حين اين گفتگو يك نفر به طرف مقابل خود پيشنهاد ارتباط جداگانه‌اي مي‌كند كه باپذيرفته شدن آن به گفتگوي اينترنتي دو نفره منجر مي‌شود. در صورتي كه گفتگوي اينترنتي تنها نوشتاري باشد، ديده‌مي‌شود كه بعضي از جوانان با اسم جنس مخالف وارد گفت و گو مي‌شوند. در اين صورت، جوانان در صورت‌برقراري رابطه با جنس مخالف به دنبال دريافت اطلاعات از زندگي جنسي او و لذت بردن از آن هستند و در صورت‌برقراري رابطه با همجنس، به دنبال تحقير و آزار وي در انتهاي مكالمه و نوعي اثبات برتري خود در برخورد باجنس مخالف مي‌باشند. معمولاً شكل گرفتن ارتباط در گفتگوي اينترنتي راحت‌تر از تلفن است زيرا ايجاد ارتباط‌دوسويه و اطلاعات طرفين از يكديگر برابر است همچنين احتمال افشاي هويت در صورت عدم تمايل، بسيار پائين‌است. از سوي ديگر به علت بهره اقشار خاصي از اينترنت كه از حداقلي از رفاه و تحصيلات برخوردار مي‌باشند،درصد زيادي از اين روابط به رابطه رودررو و ملاقات چهره به چهره منجر مي‌شوند. بنابراين با گسترش روزافزون‌اينترنت در ميان جوانان توجه به اين نوع روابط اهميت ويژه‌اي مي‌يابد كه مي‌تواند موضوع تحقيق جداگانه‌اي واقع‌شود. در صحبت جنسي هنگام، گفتگوي اينترنتي، معرفي سايت‌هاي جنسي در اينترنت جايگاه ويژه‌اي دارد. در بيشترروابط شكل گرفته از اين طريق، توقع ازدواج وجود ندارد و تنها به رفع حوائج جنسي، عاطفي و رواني انديشيده‌مي‌شود. در مجموع با رشد بيشتر تكنولوژي و امكان ايجاد شناسايي در هنگام برقراري رابطه نظير تكنولوژي‌هاي‌تلفن تصويري وگفتگوي اينترنتي وديويي، روشهاي سنتي چنين ارتباط‌هايي مهجورتر شده و روشهاي جديد بيشترمورد توجه واقع مي‌شوند. بنابراين لازم است تا قبل از همه‌گير شدن اين موارد نسبت به عوارض آن تحقيقات كافي‌صورت پذيرد.

پايگاه اجتماعي و اقتصادي

با افزايش سن و تجربيات جنسي و ورود به مراحل بعدي رفتار جنسي، از فراواني محدود بودن رفتار جنسي به‌اين نوع رفتار و يا حداقل تأثير آن بر تحريك جنسي كاسته مي‌شود. از آنجا كه نمود رفتارهاي جنسي در اين دسته‌چندان بوسيله سايرين قابل مشاهده نيست و در صورت قابليت مشاهده نيز، به دليل فراواني اجرا در گروه همالان باهزينه‌هاي اجتماعي چنداني همراه نيست، لذا اين گونه رفتارهاي جنسي در ميان طيف وسيعي از افراد با پايگاه‌هاي‌اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي متفاوت رواج دارد و حجم نسبتاً زيادي از جوانان در رفتار جنسي محدود به اين دسته‌هستند. در عين حال به لحاظ همين عدم قابليت مشاهده، بروز اين گونه رفتارها از جانب جوانان، چندان قابل كنترل‌بيروني، نمي‌باشد.

ميزان پذيرش تغيير

اين گروه از جوانان بر عكس گروه پيش، به دنبال ارضاي تمايلات جنسي خود هستند، ولي اين تمايلات پاسخ‌داده نمي‌شوند و به لحاظ عدم وجود امكانات يا قيد و بندهاي رواني و يا شايد مذهبي و يا كنترل خانواده و جامعه،جوانان اين دسته قادر به ورود به دسته‌هاي سطح بالاتر و برآوردن مطلوب نيازجنسي خود نمي‌باشند؛ لذا جوانان‌متعلق به اين دسته دچار مشكلات جنسي، رواني و اجتماعي فراواني هستند. بنابراين اين گروه يكي از مهم‌ترين‌مخاطبين تغييرات برنامه‌ريزي شده براي حل يا تخفيف مشكلات جنسي جوانان هستند كه به لحاظ عدم رضايت ازوضع موجود يكي از مناسب‌ترين گزينه‌ها براي شروع تغيير مي‌باشند. آنها را مي‌توان به عنوان قسمت زودپذير گروه‌هدف در نظر گرفت؛ زيرا از سويي دنبال يافتن راهي براي ارضاي نيازهاي خود هستند و از سوي ديگر، ارزشهاي‌اجتماعي موجود را پذيرفته و به راه‌حل‌هاي اجتماعي متناسب با نظام ارزشي موجود راحت‌تر پاسخ مي‌دهد.

از آنجا كه متغيرهاي اجتماعي در حضور اجتماع عينيت مي‌يابند، در حالي كه نوع روابط شرح داده شده در اين‌قسمت بيشتر به تنهايي و فردي هستند، لذا متغيرهاي اجتماعي در اين دسته، نمود چنداني ندارند و نمي‌توان متغيراجتماعي خاصي را براي اين دسته مورد ارزيابي و مطالعه قرار داد.

نكته قابل توجه ديگر آن است كه باز هم به دليل طبيعت پنهان بودن اين رفتارها، جامعه از رصد و شناسايي آنهاغافل است و توجه چنداني به مشكل حجم عظيمي از جوانان نشان نمي‌دهد، لذا طبيعي است كه جوانان واقع شده دراين گروه بر اين باورند كه جامعه از آنها غافل بوده و اهميتي برايشان قايل نمي‌شود. اين موضوع باعث مي‌شود كه‌جوانان اين گروه علاوه بر عوارض رواني ناشي از عدم ارضاي تمايلات جنسي، دچار عوارض اجتماعي و رواني‌ناشي از احساس ديده نشدن، بي‌التفاتي و احساس بيگانگي از اجتماع نيز واقع شوند. بنابراين در مجموع مي‌توان گفت‌كه به لحاظ:

- حجم احتمالي نسبتاً زياد افراد اين دسته در ميان جوانان
- مشكلات رواني و اجتماعي گسترده در ميان جوانان

ـ نادیده گرفتن شدن این جوانان از لحاظ مسائل جنسي آنان تاکنون

ـ باز بودن این جوانان به تغییر

ـ امکان بالاي پذیرفته شدن راه‌حل‌هاي اجتماعي برنامه‌ریزي شده در این دسته

این دسته باید از اولین و با اولویت‌ترین دسته‌هاي مورد توجه در برنامه‌ریزي و ارایه راه‌حل‌هاي بهبود روابط‌جنسي میان جوانان واقع شوند.

دسته سوم: ارتباط دوستانه پیش از جنسي

رفتار جنسي

این دسته افرادي هستند که داراي رابطه دوستي با یك نفر از جنس مخالف مي‌باشند. هر آنچه که میان دو دوست‌همجنس برقرار است در اینجا نیز صورت مي‌پذیرد؛ ارتباطات کلامي و دیداري مکرر دارند، از مسایل زندگي یکدیگرو تا حدودي خانواده همدیگر اطلاع دارند و سایر مراوداتي که میان دوستان همجنس برقرار است. در اینجا نیزموجود است و البته میزان تماس فیزیکي با یکدیگر در این دسته در حد دوستیهاي افراد همجنس است، یعني تمتع‌فیزیکي از یکدیگر وجود ندارد، هر چند قصد و اراده و نیت آن در یك طرف یا هر دو وجود داشته باشد.

نمودهاي این گونه دوستیها در یك طیف قرار مي‌گیرند که به ترتیب عبارتند از:

ـ ادامه ملاقات و گفت و گو در محل آشنایي اولیه مانند محل کار، محل تحصیل، مراکز تفریحي و هنري،مهمانیهاي خانوادگي و...

ـ رد و بدل شماره تلفن و گفتگوي تلفني و یا استفاده از پست‌الکترونیکي (E-mail)

ـ گشت و گذار با یکدیگر و رفتن به رستوران، پارك، سینما و یا کوه

ـ شرکت در دوستیها و مهمانیهاي گروهي به شکل دو نفره و همراه یکدیگر

ـ رفتن به خانه‌هاي یکدیگر در صورتي که کس دیگري در منزل نباشد.

ـ رفتن به خانه‌هاي همدیگر در حالتي که در منزل سایر اعضاي خانواده حضور دارند و معرفي شدن به اعضاي‌خانواده

در حالي که سطح گفت و گو در این گونه روابط ممکن است به شدت بالا باشد و از ریزترین مسایل جنسي نیزصحبت به میان آید، لیکن حریم فیزیکي رابطه رعایت مي‌شود؛ به خصوص اگر طرفین و یا حداقل یکي از آنها به‌مسایل مذهبي معتقد باشد، حداقل تماس نیز وجود نخواهد داشت. لیکن با کمرنگ شدن این

اعتقادات تماس فيزيكي‌بتدريج افزايش مي‌يابد. در صورت افزايش اين سطح، فرد ديگر متعلق به اين گروه نبوده و وارد دسته بعدي مي‌شود.

از آنجا كه تداوم دوستي خصوصاً ميان دو غيرهمجنس و حفظ اين دوستي براي مدت طولاني، روابط فيزيكي راناگزير مي‌سازد، جدا از قيد و بندهاي شرعي يا شخصي و ناآگاهانه يا آگاهانه، نياز به گسترش روابط فيزيكي افزايش‌پيدا مي‌كند، بنابراين آينده ناگزير و طبيعي دوستيهاي اين گروه، وارد شدن به سطح بالاتر روابط و ايجاد رابطه فيزيكي‌ميان طرفين است. در اين‌جا دوستي وارد مرحله‌اي مي‌شود كه نقطه افتراق كساني است كه به دلايل مختلف رواني واجتماعي و مذهبي با جلوتر رفتن موافق نيستند و ادامه دوستي را به صلاح نمي‌دانند.

در اين گونه دوستيها، لزوماً تشابهِ زمينه اجتماعي، مطرح نيست. حدود رابطه را عقايد طرفين مشخص مي‌كند.بيشتر افراد، پسرها را پيشنهاد دهنده اين نوع دوستيها دانسته‌اند و زماني كه از پسرها پرسيده شد كه چگونه دختري راانتخاب مي‌كنيد معمولاً اشاره به كدهاي مشخصي داشته‌اند كه آن دختر مخابره كرده است؛ مثل نگاه مستقيم به پسرمذكور، لبخند زدن، محبت كردن، بحث كردن و ... همچنين پسران مطرح كرده‌اند كه در اغلب موارد براي انتخاب‌دوست به سراغ دخترهايي مي‌روند كه اعتقادات مذهبي‌شان در حدي نباشد كه آن دختر را غيرقابل دسترسي جلوه‌دهد. يعني مثلاً حجاب زياد، صحبت نكردن با پسران، پايين انداختن سر و موارد اينچنيني كه باعث مي‌شود يك دخترنتواند دوستي از ميان پسران پيدا كند.

پيشروي طرفين در اين قضيه به صورت پلكاني مي‌باشد. دوستي از شوخي كردن و صحبت كردن (در ابعاد علمي،سياسي ... و بعداً شخصي) شروع مي‌شود و اگر طرفين در هر مرحله به تفاهمي دست پيدا كنند به سطح بعدي حركت‌مي‌كنند. معمولاً اين دختران هستند كه روي برخي مرزها باقي مي‌مانند و پسران خواستار گسترش دوستي به حدودبعدي هستند. اين فرآيند از طرف پسران با نوعي ريسك كردن انجام مي‌شود كه امكان قطع رابطه را بوجود مي‌آورد.

علت ابتدايي شكل‌گيري دوستي هر چه كه باشد به احتمال بسيار زياد منجر به دلبستگي عاطفي طرفين مي‌شود،مگر اينكه يكي از آنها از ابتدا قصد نوعي سوءاستفاده از طرف مقابل را داشته باشد كه ارتباط صورت ديگري مي‌يابددر اين صورت، دوستي به دوستي‌هاي با قصد و نيت ازدواج تبديل مي‌شود.

انگيزه‌هاي ارتباط دوستانه

نيت طرفين و يا حداقل يكي از دو طرف از دوستي مي‌تواند يكي از موارد زير باشد:

دوستي: بسياري معتقدند همانگونه كه با افراد همجنس دوستي وجود دارد، اين رابطه با غير همجنس هم طبيعي استو چنانكه در اثر احتمال و حوادث دو نفر در سر راه يكديگر واقع شوند كه مناسب دوستي با

يكديگر باشند، نبايد ازآن اجتناب كنند. در دوستيهايي با اين گونه نيت‌ها، احتمال باقي ماندن در اين سطح دوستي بسيار زياد است. اين نوع‌دوستي بيشتر در ميان جوانان با تحصيلات دانشگاهي شايع مي‌باشد.

شناخت جنس مخالف: عدم اطلاع‌رساني كافي به جوانان در خصوص مسايل جنسي و جنس مخالف باعث مي‌شودكه برخي از جوانان كه داراي كنجكاوي فراواني در خصوص جنس مخالف باشند و براي ارضاي كنجكاوي خود،شخصاً به دنبال راه حل باشند و در صورت ايجاد امكان هر گونه ارتباط با جنس مخالف، از آن چشم‌پوشي نكنند.

كسب اعتبار اجتماعي: كسب اعتبار اجتماعي نزد همالان به خصوص در دوران دبيرستان، به لحاظ اثبات تواناييهاي‌جنسي، عامل مهمي در ايجاد ارتباط با جنس مخالف است. هر چند در گذشته اين عامل تنها در پسران حضوري مؤثرداشت ليكن شرايط به سويي حركت مي‌كند كه روز به روز دختراني كه داراي دوست‌پسر نمي‌باشند، تحت فشاراجتماعي بيشتري از سوي همكلاسان خود واقع مي‌شوند.

تمتع جنسي: به طور معمول، از لحاظ جنسي سطح توقع پسر به مراتب از دختر بيشتر است. زيرا پسر در اين گونه‌ارتباط چيزي را از دست نمي‌دهد، در حالي كه دختر ممكن است در راهي غيرقابل بازگشت ـ حداقل ازاله بكارت ـقدم نهد. ممكن است در روابط اين گروه به دلايلي نظير عدم رضايت طرف مقابل و عدم وجود امكانات لازم، اين نيت‌به عمل منتهي نشود.

قصد انتقام: اين نوع دوستي هم از جانب پسران و هم دختران ممكن است به صورت نوعي سوء استفاده از جنس‌مخالف منجر شود. به طور كلي معمولاً دختراني مبادرت به برقراري اين نوع از دوستي مي‌كنند كه يا در زندگي خود،دوستان، اطرافيان و خانواده شاهد نوعي ظلم مردان به زنان بوده‌اند و يا داراي بارقه‌هايي از انديشه فمينيستي هستندو اين قضيه را ولو اينكه به چشم نديده‌اند، به عنوان يك واقعيت بديهي فرض مي‌گيرند. بنابراين با قبول اين پيش‌فرض‌وارد دوستي مي‌شوند. در اينجا دختر نهايت سعي خود را مي‌كند تا طرف مقابل را به خود وابسته كند و او را به سوي‌مسيرهاي عاطفي هدايت كند و نهايتاً در يك مرحله از دوستي او را تنها رها كند. گاهي سعي مي‌شود كه اين رهاكردن به صورتي باشد كه تا جاي ممكن آزارنده‌تر باشد.

پيدا كردن همسر ايده‌آل: دوستي ممكن است از ابتدا توسط يكي از طرفين با قصد ازدواج شروع شود. در اينجا دوطرف معمولاً داراي عقايد مذهبي شديد نيستند. ميزان اعتقادات ديني آنها مي‌تواند از تعلق به گروه‌هاي روشنفكرمذهبي شروع شده و تا عدم اعتقاد، مذهبي ادامه داشته باشد. البته بسته به نوع اعتقادات، كنش‌هاي آنان هم متفاوت‌خواهد بود. ملاكهاي انتخاب دوست همان ملاك‌هاي ازدواج است كه باز هم تعريف شاخصهاي ازدواج بسته به‌اعتقادات طرفين متفاوت است. در اينجا معمولاً ملاكهاي تشابه طبقاتي، اقتصادي و تشابه فرهنگ خانوادگي لحاظ‌مي‌شود. مدت زمان شروع دوستي تا مطرح كردن پيشنهاد ازدواج

خيلي طولاني نيست و خيلي زود تكليف طرفين‌روشن مي‌شود. در صورت عدم تمايل آنها به ازدواج ممكن است پس از مدتي رابطه قطع شود يا اينكه به صورت يك‌آشنايي ساده ادامه پيدا كند.

در بعضي موارد جوانان براي خود در روابط، تقيدات مذهبي فقهي قائل هستند و در تمام موارد زندگي مطابق آنهاعمل مي‌كنند؛ ليكن تنها در يك مورد حاضر به شكستن اين قاعده مي‌شوند و آن هم وقتي است كه در پي همسريابي‌برمي‌آيند. در اين حال، آنها سعي مي‌كنند تا با دوست شدن با يك فرد، او را بشناسند و در عين حال به خود علاقمندكنند تا منجر به ازدواج شود. اين فرد از ديگران ـ با نقش اجنبي ـ مستثني شده و فردي پاك دانسته مي‌شود كه تمام‌عواطف فرد معطوف به او مي‌شود. از آنجا كه ازدواج در اسلام امري مطلوب و داراي ثواب تلقي شده، اين دسته ازجوانان خود را به اين صورت توجيه مي‌كنند كه در راه يك امر خير قدم برمي‌دارند. البته در عين حال در روابط خودبه سبكي فقهي عمل مي‌كنند و روي برخي حدود مثل حجاب، عدم رابطه جسمي و... پا نمي‌گذارند.

انگيزه‌هاي ديگر: انگيزه‌هايي چون نياز به دوست داشته شدن، يا دوست داشتن، نياز به احساس امنيت داشتن، نياز به‌يك ارتباط دوستانه داشتن، پر كردن تنهائيها، وقت گذراني، فرار از مشكلات، و تنوع‌طلبي در زندگي از ديگرانگيزه‌هاي ارتباط دوستانه است.

تا سن حدود 22 ـ 23 سالگي و به خصوص در دوران دبيرستان، بسياري از اين روابط دوستي با جنس مخالف به‌شكل عاشق و معشوقي و احساسات شديد و يا حداقل اداي اين حالت را درآوردن، انجام مي‌شوند. اين موضوع‌خصوصاً از جانب دختران بيشتر دامن زده مي‌شود. در اين صورت قطع رابطه و برهم زده شدن دوستي باعث عوارض‌رواني شديدي به خصوص در كوتاه مدت مي‌گردد. با بالاتر رفتن سن از ميزان احساسات در روابط كاسته مي‌شود وبر بار جنسي آن افزوده مي‌گردد و با تعقل و منطق بيشتر، تضادهاي شديد رخ نمي‌دهد. لذا مي‌توان سن را به عنوان‌عاملي كه اثر مستقيم بر چگونگي رابطه دارد در نظر گرفت. مهم‌ترين تعارضي كه ممكن است در اين دوستيها رخ دهدتمناي آميزش جنسي از سوي پسر و رد نمودن آن به وسيله دختر باشد. از آنجايي كه در صورت برقراري رابطه‌جنسي، اين دختر است كه چيز غيرقابل جبراني را از دست مي‌دهد و هزينه‌هاي رواني و اجتماعي براي دو طرف‌يكسان نيست، لذا ميل به آميزش در دو طرف بسيار متفاوت است. بنابراين در صورت پيشنهاد روابط جنسي از سوي‌پسر، دختر مخالفت مي‌كند و در ادامة دوستيهاي اين فرد يا مخالفت به رسميت شناخته شده و دو طرف موضوع رافراموش مي‌كنند و يا از جانب يكي از طرفين رابطه قطع مي‌شود.

پايگاه اجتماعي و اقتصادي

اين نوع دوستي در ميان جوانان پذيرش روزافزوني دارد، ليكن هنوز هم بسياري از خانواده‌ها با آن مخالفند.معمولاً پذيرش اين نوع دوستي در خانواده‌هاي از قشر بالاي اجتماع، بيشتر است و در خانواده‌هاي

متوسط جديد،عليرغم عدم مقبوليت با چشم‌پوشي تحمل مي‌شود، البته در اكثر موارد، جوانان سعي مي‌كنند كه خانواده‌هايشان از اين‌روابط مطلع نشوند؛ زيرا به طور كلي انتظار همراهي از سوي آنان را ندارند. تمايل به پنهان ماندن اين دوستي‌ها،مي‌تواند باعث كشيده شدن اين روابط به محيط‌هاي خلوت و منتهي شدن آن به روابط جنسي گردد. كنترل دخترها ازسوي خانواده در اين خصوص بيشتر است و هر چه سطح رابطه بالاتر رود، امكان برخورد شديدتر خانواده، درصورت اطلاع بالاتر مي‌رود.

تقيدات مذهبي رابطه مستقيمي در كاهش ميزان اين گونه روابط دارند و افراد مذهبي‌تر خيلي سريع موضوع اين‌دوستيها را به ازدواج مي‌رسانند.

اينگونه روابط در تمامي اقشار جامعه ديده مي‌شود و پايگاه اجتماعي ـ اقتصادي عامل مؤثري در آن نمي‌باشد،اما پايگاه اجتماعي ـ اقتصادي بالا در اين بين، نقش تسهيل‌كننده دارد. وجود امكانات مانند ماشين، منزل بزرگ ياتلفن و تلفن همراه مي‌تواند باعث سهولت در برقراري ارتباط دوستانه شود.

در ميان دانشجويان، اين گونه دوستي رواج گسترده‌اي دارد و تقريباً در ميان تمامي اقشار دانشگاهي شيوع يافته‌است؛ ليكن با افزايش تحصيلات، روابط منطقي‌تر شده و از عوارض آن كاسته مي‌شود.

ميزان پذيرش تغيير

عليرغم اين كه تمايلات جنسي اين دسته نيز به طور كامل ارضا نمي‌شود، اما افراد اين دسته آنچنان هم بي‌قدرت‌نيستند، زيرا به هر حال تا ميزاني هر چند محدود، ارضا مي‌شوند؛ بنابراين اثرات رواني عدم ارضاي جسمي در افراداين گروه، از دسته قبلي كمتر است. بدين لحاظ به اندازه گروه پيش به تغيير باز نيستند. در واقع به دليل آنكه راه حل‌فردي مشكل خويش را تا حدودي يافته‌اند و يا حداقل به حل آن اميد بسته‌اند، به راه‌حل‌هاي اجتماعي، سخت‌ترپاسخ مي‌دهند. بايد توجه داشت كه با وجود آنكه دو طرف رابطه دوستي، تا حدودي مشكل خود را حل كرده‌اند، امابه هر صورت و در هر قشري از اجتماع و تا درصد زيادي از جانب خانواده و جامعه، تحت فشار هستند، بنابراين درصورتي كه شرايطي پيش بيايد كه رابطه آنها شكل مشروعتر و مقبول‌تري بيايد از تغيير در سطح جامعه استقبال‌خواهند كرد. از لحاظ جمعيت، حجم اين دسته قابل توجه و البته در حال رشد است. لذا مي‌توانند بخش قابل اعتنايي‌از گروه هدف تغيير كه پذيراي تغيير هم هستند، باشند. بنابراين در برنامه‌ريزي بايد توجه خاصي به آنها شود.

دسته چهارم: رابطه جنسي دوستانه

افراد اين دسته كساني هستند كه هر دو طرف رابطه، در يك مقطع زماني خاص تنها با يك نفر مشخص، رابطه‌جنسي، در طيفي از نوازش تا آميزش دارند. در اين دسته صورت عادي ارتباط، بوجود آمدن

رابطه جنسي به عنوان‌پيامد طبيعي ارتباط دوستي است، كه وابسته به متغيرهاي كنترلي طرفين، زمان منجر شدن رابطه دوستي به رابطه‌جنسي، متفاوت خواهد بود. در بعضي حالات ديگر، دوستي تنها به عنوان وسيله‌اي براي برقراري رابطه جنسي‌انتخاب مي‌شود. اين جوانان بيشتر براي فرار از برچسب بي‌بندوباري از محمل دوستي براي برقراري رابطه جنسي‌استفاده مي‌كنند. در حالت عادي در وضع دوم، سرعت رسيدن به روابط جنسي بسيار بيشتر است و زمان كمي صرف‌دوستي بدون رابطه جنسي مي‌گردد.

رفتار جنسي

تماس جنسي را مي‌توان در دو سطح مجزا نمود: تا قبل از دخول در مهبل، و دخول در مهبل. ميزان تمايل افراد به‌هر يك از اين سطح، وابسته به نوع جامعه‌پذيري آنها است. با تجربيات متفاوت و استفاده از فيلم و عكس، سطح اول‌رواجي بيش از گذشته يافته است. علاوه بر آن به لحاظ آنكه دختر سطح اول را راحت‌تر مي‌پذيرد و هزينه اجتماعي‌كمتري براي وي دارد، روابط نوع اول بسيار شايع‌تر است. موانع اصلي رسيدن به سطح دو از جانب دختر ترس از ازاله‌بكارت و از جانب پسر آبروريزي و اجبار در ازدواج مي‌باشد. در صورت غلبه شهوت بر اين موانع، رابطه به سطح‌دوم خواهد رسيد.

گاهي اوقات رابطة دوستي دختران و پسران منجر به برقراري روابط جنسي از سوي آنان مي‌شود. معمولاًدرخواست شروع اين رابطه از سوي پسر مطرح مي‌شود و دختر يا به دليل علاقه‌اي كه به پسر دارد و نمي‌خواهد به اوپاسخ منفي داده باشد، و يا به دليل تمايل خود، آن را مي‌پذيرد. بعضي از دختراني كه در مرحله تماس جسمي مانده‌بودند، اذعان مي‌كردند كه احساس شيء شدن از اين قضيه به آنها دست داده و بسيار پشيمان هستند. رابطه در اين حدنياز به مكاني خاصي ندارد. معمولاً براي اعمالي نظير اين، راه رفتن در كوچه‌هاي خلوت، پاركها و نيز استفاده ازتاريكي فضاي سينما و جاهايي نظير اين كفايت مي‌كند. اين رابطه ممكن است در همين سطح بماند و منجر به برهنگي‌نشود. اما اگر دختر و پسري كه داراي روابط جسمي با هم هستند در اتاقي دربسته بمانند، سطح رابطه بلافاصله تغييرمي‌كند و منجر به برهنگي مي‌شود بعد از برهنگي هم رابطه مرحله به مرحله پيش مي‌رود.

پايگاه اجتماعي و اقتصادي

از آنجا كه رابطه جنسي احتياج به فضا و مكان مناسبي دارد كه امنيت كافي براي زمان رابطه در آن موجود باشد،بنابراين اين گونه رابطه، ارتباط مستقيمي با امكانات شخصي دارد. لذا در ميان اقشار سطح بالاتر رابطه جنسي بيشتر‌ديده مي‌شود. موضوع نگران‌كننده در اين خصوص، وجود خانه‌هاي مجردي و افزايش آنها در حال حاضر است.نوعي خاص از آپارتمانهاي با مالكيت زماني (Time Sharing) در شمال شهر تهران رواج يافته است كه تصوراستفاده‌اي غير از مسايل جنسي براي آن‌ها بسيار مشكل و دور از واقعيت مي‌باشد. بنابراين در مجموع اين رابطه براي‌مردان در سنين بالاتر و اقشار سطح بالاتر شايع‌تر است. به طور معمول

چنين افرادي هزينه زيادي دارند و تقريباًبسياري از اين افراد، از دايره جامعه‌آماري ما كه جوانان هستند، خارج مي‌شوند. در مقابل جوانان از طبقات پائين‌تر،به دليل فقدان امكانات و كنترل بيشتر والدين، كمتر از امكان برقراري چنين روابطي برخوردار هستند. لذا در صورت‌تمايل به رابطه جنسي، پسران معمولاً به ارتباط با فواحش كه داراي محلي از خود مي‌باشند، كشيده مي‌شوند ودختران يا از خير موضوع مي‌گذرند و يا تبديل به دختران خياباني مي‌شوند.

وضعيت مذهبي

معمولاً افراد مذهبي وارد اين گونه روابط نمي‌شوند؛ حتي در صورتي كه يكي از طرفين مذهبي باشد و تمايل به‌شرعي كردن ارتباط، مثلاً از راه صيغه داشته باشد، مورد تمسخر و مخالفت از سوي طرف مقابل واقع مي‌شود.خاطرنشان مي‌شود كه جواناني در اين دسته وجود دارند كه خود را مذهبي مي‌دانند، ليكن به مباحث فقهي دين چندان‌پايبند نيستند و دين را بيشتر در اخلاق و اعتقاد دانسته و به نوعي دينداري را در اعتقاد به جوهر ديني مي‌دانند. جوانان‌اين دسته يا به لحاظ اشتغال يا تحصيل و يا هر حالت ديگري، ساعاتي از روز يا شب را در اختيار دارند كه از كنترل‌والدين و خانواده رها هستند و يا متعلق به خانواده‌هايي هستند كه مشكلي با اين گونه روابط ندارند. اين گونه برخورددر بعضي خانواده‌هاي بالاي شهر تهران به چشم مي‌خورد.

ميزان پذيرش تغيير

افراد اين دسته تا حدود زيادي مشكل جنسي خود را حل كرده‌اند. بنابراين چندان به تغيير باز نيستند. علاوه بر آن‌به دليل محدوديت‌هاي جامعه، رابطه جنسي آنها بدليل مخفي و خلاف عرف بودن، به نوعي با هيجان همراه است كه‌جوان از آن لذت مي‌برد و حاضر نيست به راحتي آن را از دست بدهد. لذا بعيد است اين گروه به تغيير پيشنهادي،پاسخ مثبت بدهند. از طرف ديگر به لحاظ آنكه اين گروه راه حلي را براي مشكل جنسي خود يافته است ـ كه البته‌مورد تأييد نظام ارزشي و هنجاري جامعه نمي‌باشد ـ به عنوان رقيبي براي برنامه‌ريزان مطرح هستند كه به هر شكل‌ممكن از عضوگيري جديد آنها بايد جلوگيري شود.

دسته پنجم: بي‌بندوباري جنسي

رابطه جنسي ولنگارانه مي‌تواند در يكي از اشكال زير متجلي شود:

ـ با يك نفر كه اصلاً شناختي از وي وجود ندارد و بدون رد و بدل شدن پول به خاطر رابطه،

ـ با يك نفر و همراه بودن با مبادله پول بخاطر رابطه،

ـ با بيش از يك نفر در يك مقطع زماني كوتاه نظير روز، هفته يا ماه.

رفتار جنسي

در اين گونه روابط، تنها موضوعِ رابطه، فعاليت جنسي است. در واقع هيچ‌گونه توقع و تعهدي علاوه بر پولي كه‌گاهي در اين نوع روابط مبادله مي‌شود، در ميان طرفين وجود ندارد. اين دو به يكديگر وابسته نيستند و ساعات‌زيادي را با يكديگر نمي‌گذرانند. در اين گونه روابط، مسايل اقتصادي براي زن بسيار مهم است و حتي اگر رابطه به‌قصد منافع اقتصادي هم برقرار نشده باشد، با تداوم بي‌بندوباري، با تلاش براي كسب درآمد اقتصادي همراه مي‌شود وبه نوعي فاحشگي منجر مي‌شود كه در ابتداي آن براي زن موجد درآمدي بالا، همراه با لذت و هيجان مي‌باشد.

خصلت روابطِ بي‌بندوبار، در تغيير مداوم شركاي جنسي حداقل يكي از طرفين مي‌باشد. بي‌بندوباري، توقع جنسي‌صِرف از جنس مخالف، آن هم به شكلي متنوع است. در اين رابطه طرفين توجهي به مسايل خصوصي يكديگر ندارندو برخورد آنها عليرغم رد و بدل شدن كلمات چندان عميق نمي‌باشد.

از جمله عوارض بي‌بندوباري، ريسك زياد امكان ابتلا بيماريهاي مقاربتي به خصوص ايدز مي‌باشد. اين ترس ازابتلاء و حالات رواني احتمال ابتلا در صورت برقراري رابطه مشكوك، مي‌تواند حالت اضطراب و ترس شديدي را درفرد به وجود آورد. در حال حاضر، در جهان، بيش از نيمي از پژوهش‌هاي مربوط به روابط جنسي، متمركز بر ايدز وپديده‌هاي پيرامون آن مي‌باشد. از آنجايي كه شبكه بي‌بندوباري جنسي، به هر طريق، به افراد سالم و حتي كودكان‌مربوط مي‌شود و ممكن است به ابتلاي افراد بي‌گناه ـ از جمله همسر و فرزندان فردي كه رابطه ولنگارانه جنسي داردیا قبلاً داشته ـ به بيماريهايي نظير ايدز و هپاتيت بينجامد، لذا جلوگيري از اين گونه عوارض وظيفه هر برنامه‌ريزي درخصوص مسايل اجتماعي مي‌باشد. البته خود افرادي كه رابطه جنسي ولنگارانه دارند، در صورت ابتلاء به بيماري،هزينه‌هاي بسياري را بر نظام پزشكي تحميل مي‌كنند و آموزش لازم به آنها و تلاش براي عدم ابتلاي آنها به‌بيماري‌هاي مقاربتي از اين جنبه نيز ـ جداي از مسائل انساني ضرورت توجه بهداشتي به خودِ افراد داراي رابطه‌ولنگارانه ـ ضروري است. بايد توجه داشت كه آموزش و اطلاع‌رساني، در اين زمينه بسيار مهم است. خصوصاً توجه‌به اين نكته كه گسترش ايدز در آمريكاي شمالي و اروپا، تنها با آموزش، كنترل شده است، شايان توجه مي‌باشد.

نكته قابل توجه ديگر كه مي‌تواند به عنوان عارضه بي‌بندوباري مطرح شود، رد و بدل شدن پول فراوان، نسبت به‌هزينه و منابع صرف شده مي‌باشد كه منجر به توجه سوءاستفاده‌كنندگان به موضوع و ايجاد شبكه‌هاي فساد مي‌گرددكه به نوعي يك عمليات غيرقانوني سازمان يافته محسوب مي‌شود و مي‌تواند محملي براي شكل‌گيري مافياي‌اقتصادي ـ اجتماعي گردد. محاسبات سرانگشتي نشاندهنده رد و بدل شدن روزانه دهها يا صدها ميليون تومان پول‌در روابط جنسي روسپيانه است كه البته اصول بديهي اقتصادي روشن مي‌سازد كه چنين پول هنگفتي نمي‌تواند تنها دراختيار زنان روسپي قرار گيرد و شبكه‌هاي سازمان يافتة فساد و فحشا عهده‌دار سامان دادن به اين مسأله و پوشش‌دادن و تأمين امنيت براي زنان اعضاي شبكه هستند. و

بديهي است كه سهم كمي از درآمد را، زنان روسپي مي‌برند. اين‌موضوع به نوبه خود مي‌تواند در به فساد كشيدن افراد و خصوصاً زنان و دختران بي‌پناه، نقش مخربي داشته باشد و به‌صنعت مخفي و قاچاقي تبديل شود كه سعي در به فحشا كشاندن دختران و جلب مردان در اين نوع روابط باشد تابتواند سود بيشتري ببرد.

نوع عمل جنسي اين زنان، حرفه‌اي و همراه با انواع فنوني است كه هم باعث افزايش لذت جنسي مرد شود و هم‌ـ زيركانه ـ زمان انجام عمل را كوتاه كند. البته اين لوندي و عشوه‌گري كه بصورت حرفه‌اي و با آموزش و تجربه‌حاصل شده است، مردان برخوردار از آن را در زندگي زناشويي دچار مشكل مي‌كند. چون از همسر خود نيز توقع‌همين‌گونه رفتار را دارند در حالي كه، طبيعتاً او از اين‌گونه مهارتها ـ خوشبختانه ـ بي‌بهره است و لذا مرد همواره‌احساس نارضايتي جنسي مي‌كند.

پايگاه اجتماعي و اقتصادي

در روابطي كه بي‌بندوباري جنسي از سوي هر دو طرف به علت برخورداري از لذت جنسي برقرار مي‌شود، دربيشتر اوقات دوطرف به سطح بالاي جامعه تعلق دارند، ليكن در صورتي كه مسأله درآمد در كنار رابطه وجود داشته‌باشد، به طور معمول، مرد متعلق به قشر بالاي جامعه و زن متعلق به قشر پائين جامعه مي‌باشد، هر چند ممكن است‌زنان سطح بالايي نيز در اين كار ديده شوند كه بسيار مرفه هم باشند.

وضعيت مذهبي

اكثريت قريب به اتفاق افراد اين دسته، اعتقادات مذهبي چنداني ندارند و از قيد و بندهاي شرعي، رها هستند. هرچند كه ممكن است در گذشته از اعتقادات مذهبي بهره‌مند و به رفتار مذهبي مقيد بوده باشند.

ميزان پذيرش تغيير

از آنجا كه مشكل افراد اين دسته از لحاظ ارضاي غرايز جنسي حل شده است و از سوي ديگر سعي دارند كه ازسوي ديگران شناخته نشوند، افراد اين دسته چندان در دسترس برنامه‌ريزان نيستند در واقع امكان ايجاد رابطه‌اي‌مناسب كه در پي آن بتوان تغييري بوجود آورد، وجود ندارد. در اينجا اكثر كانال‌هاي ارتباطي كه مي‌توان براي تغييرفرض نمود يا مسدود است و يا حداكثر يك طرفه ـ از كارگزار به گروه هدف ـ است. از سوي ديگر اين افراد، نيازچنداني به تغيير حس نمي‌كنند، زيرا مشكل خود را حل كرده‌اند.

البته به خاطر دسته‌هاي قبل هم كه شده، نياز به تغيير در وضعيت سلامت و بهداشت افراد اين دسته، ضروري است‌كه مي‌تواند از طريق اطلاع‌رساني در مورد افراد اين دسته در ميان دسته‌هاي ديگر، دنبال شود. همچنين استفاده ازروش‌هايي براي خروج گرفتاران شبكه‌هاي فساد و حمايت از آنها براي بازگشت به زندگي عادي مي‌تواند يكي ازاستراتژيهاي برخورد با اين دسته باشد.

دسته ششم: انحراف جنسي

منظور از انحراف جنسي وجود روابطي است كه خارج از مجراي اصلي و طبيعي ارتباط جنسي ـ رابطه طبيعي يك‌مرد با يك زن ـ صورت مي‌پذيرد. بر اين اساس و طبق تقسيم‌بندي فرويد انواع انحراف جنسي عبارتند از:همجنس‌بازي، ساديسم، مازوخيسم، بچه‌بازي، مرده‌دوستي، حيوان دوستي، بت‌پرستي جنسي، خودنمايي،چشم‌چراني، تلبيس، پيرپسندي و استمناء.

از ميان اين انحرافات آنهايي كه از لحاظ عمق انحراف محدودتر و از لحاظ رواج در ميان جوانان، شايع‌تر هستنددر قسمت‌هاي گذشته مورد بررسي قرار گرفتند، نظير خودنمايي، چشم‌چراني و استمناء.

تقريباً در تمامي اين موارد، ريشه‌هاي رواني به چشم مي‌خورد و انحراف از مجرا و روش طبيعي ارتباط جنسي به‌گونه‌اي ريشه در حالات رواني فرد دارد كه البته خروج از وضعيت طبيعي جنسي يعني گرسنگي يا سيري بيش از حدجنسي در رسيدن به اين وضعيت رواني بسيار مؤثرند. چنانكه قبلاً نيز گفتيم خودنمايي، چشم‌چراني و به خصوص‌استمناء در حال حاضر در ميان جوانان ما بسيار شايع هستند.

در اينجا ما از مواردي كه فراواني اندكي را دارند نظير مرده‌دوستي، حيوان‌دوستي، بت‌پرستي، تلبيس و پيرپسندي‌چشم پوشي مي‌كنيم و به مواردي خواهيم پرداخت كه شيوع بيشتري دارند.

ساديسم و مازوخيسم يا به عبارت ديگر تمايل به آزار رساندن يا آزار ديدن در هنگام عمل جنسي، گونه‌اي‌بيماري رواني هستند كه در حال حاضر به دليل رواج روزافزون فيلم‌ها و عكس‌هاي برخاسته از نوعي فرهنگ‌خاص غربي (BSDM)ـ كه در خود آن كشورها نيز رايج و بهنجار نيستند ـ در حال گسترش هستند. شايد درصورت ايجاد رابطه بين دو فرد كه يكي مازوخيست و ديگري ساديست باشد تضادي شكل نگيرد، ليكن در صورتي‌كه تنها يكي از طرفين مبتلا به سادومازوخيسم باشد يا هر دو ساديست و يا هر دو مازوخيست باشند، احتمال‌شكل‌گيري تضاد و حتي آسيب‌رساني جسمي به شدت افزايش مي‌يابد كه باعث عوارض روحي و رواني و جسمي‌شديدي خواهد گرديد.

نوع ديگر انحراف بچه‌بازي و نوع خاصي از آن كودك آزاري است. در اين نوع رفتار جنسي، يك فرد بالغ(عموماً مرد) به ايجاد رابطه جنسي به زور يا به رضايت با يك كودك نابالغ مي‌پردازد. بچه‌بازي را مي‌توان به دو دسته‌متفاوت تقسيم كرد: بچه‌بازي با دختران و بچه‌بازي با پسران.

سوءاستفادة جنسي از دختران: معمولاً ارتباط با دختر از سوي محارم و نزديكان وي صورت مي‌گيرد؛ زيرا حضور دختر در خارج از خانه‌محدود است و نيز دختر بيشتر در دسترس نزديكان است. پس از افشاي اين گونه روابط معمولاً به لحاظ حفظ آبروي‌خانواده و همچنين اهميت اين امر در مورد آينده دختر، بر آن سرپوش گذارده مي‌شود و تنها به طرد فرد بالغ ازخانواده مي‌انجامد. حتي در صورتي كه فرد بالغ بيشتر از حد به دختر نزديك باشد نظير برادر يا پدر، گاهي به تحمل‌او رضايت داده مي‌شود. نوع نگاه معصومانه و پاك فرهنگ ما به روابط خانوادگي و ميان محارم، به نوعي باعث‌اعتماد و سوءاستفاده از آن در چنين شرايطي

مي‌شود. البته بايد توجه داشت كه نوع پوشش اكثر دختران در خانواده ودر حضور محارم، بيش از حد راحت است كه شايد به نوعي جبران پوشش زياد آنها در خارج از خانه باشدبنابراين به لحاظ كنترل والدين در خصوص دختران و همچنين پوشش مناسب دختران در خارج از خانه، احتمال‌ايجاد چنين روابطي در خارج از خانه بسيار كمتر است، اما در مورد پسران از سوي خانواده دقت و كنترل كمتري‌صورت مي‌پذيرد.

سوءاستفادة جنسي از پسران: به طور معمول پسران، به خصوص نوجوانان براي رفتن به اماكن مختلف و حتي خلوت مشكل چنداني ندارند.بنابراين پسران بيشتر در دسترس مردان خارج از خانه قرار دارند. محل‌هايي نظير كارگاهها، مدارس و ارتباطات‌فاميلي از جمله مراكزي هستند كه ممكن است در آن پسربچه مورد سوء استفاده جنسي واقع شود. معمولاً در صورت‌ايجاد رابطه، پسر، سعي در مخفي كردن رابطه دارد تا آبروي خود را حفظ نمايد، ليكن در صورت افشاء و اطلاع‌خانواده از موضوع، معمولاً برخورد خانواده با فرد بالغ، خشن‌تر و حتي گاهي به صورت قتل وي خواهد بود.

در هر دو گونه اين روابط، در واقع كودكِ بي‌پناه و بي‌قدرت، در موقعيتي واقع مي‌شود كه در اكثر موارد حتي‌قدرت اعتراض و مطرح كردن موضوع را هم ندارد. اين سكوت و در مواردي رضايت به رابطه به صورت عقده‌اي دروجود آنها باقي خواهد ماند كه در دخترها به صورت بيزاري از جنس مخالف و تنفر از رابطه جنسي ظهور مي‌يابد كه‌به نوبه خود مي‌تواند آينده جنسي دختر و روابط زناشويي او را به شدت تحت تأثير قرار دهد و وي را از لحاظ رواني‌در تمامي مراحل زندگي تحت فشار شديد، قرار دهد. در پسران نيز به دليل زير سؤال رفتن مردانگي، به انواع متفاوتي‌واكنش منجر مي‌شود: نياز به رابطه مقعدي در رابطه با جنس مخالف پس از ازدواج، لواط و علي‌الخصوص فاعل‌بودن براي فرار و فراموش كردن نقش مفعول، كودك‌آزاري و يا مفعول شدن حرفه‌اي كه تقريباً همگي جزء انحرافات‌شديد جنسي هستند و همراه آثار رواني عديده‌اي انجام مي‌شوند.

همجنس‌بازي: همجنس بازي يا ارتباط دو زن يا دو مرد بالغ با يكديگر، معمولاً در مجامعي كه مرد بدون زن يا زن بدون مردوجود دارد، رخ مي‌دهد، مانند كارگاه‌هاي ساختماني، سربازخانه‌ها، زندان‌ها، خوابگاه‌هاي دانشجويي و مدارس. دردر همجنس‌بازي خصوصاً در ميان مردان، در اكثر موارد، يك شخصيت ارضاشده حضور دارد و يك شخصيت‌تحقيرشده. ارضا مي‌تواند باعث ايجاد تمايل به ادامه روابطي اين چنيني و عدم پذيرش همسر و تحقير مي‌تواند به‌ظهور انواع واكنش‌هاي رواني نامناسب منجر شوند كه هر دو براي اخلاق اجتماعي بسيار مضر هستند.

از آنجا كه تقريباً اكثر اين گونه روابط از نظر جامعه بسيار ناپسند و قبيح هستند و به نوعي تابو به شمار مي‌روند وحرف زدن از آنها نيز نوعي انحراف محسوب مي‌شود، كاملاً مخفي هستند و افشاي آنها بيشتر از روي علايم و شواهداست. و در مجموع به لحاظ آنكه شناخت اين روابط بسيار مشكل است و

گروه هدف با ابهام فراواني مشاهده‌مي‌شود، و همچنين اين گونه روابط بيشتر ناشي از مسايل رواني هستند و نياز به راه حل‌هاي رواني دارند، لذا تنهامي‌توان به ارايه رهنمودهاي كلي پرداخت كه نسبت به كارآيي آنها، هيچ‌گونه اطميناني وجود ندارد. بنابراين به خاطرعدم شناخت گروه هدف در اين قسمت و عدم كارآيي روشهاي اجتماعي در خصوص آنها، اين گروه نقش چنداني درميان مخاطبين ما نخواهند داشت هر چند عوارض وجود چنين روابطي بسيار عميق باشد و چاره‌جويي در مورد آنهايك نياز اساسي به شمار آيد.